

جرجانی در ذخیره تنها از ابن ابی صادق نقل کرده است (ص ۳۴-۳۵؛ نک: نامه، همانجا). و از عبارت او پیدا است که ابن ابی صادق را شخصاً نمی‌شناخته است.

جرجانی در ذخیره به سفر خود به قم و دیدار با فرزندان کوشیار گیلانی، اخترشناس سده ۴/۱۰م و نیز سفر به مرو (همان، ۹۱، ۵۶۸) اشاره کرده است. تا جایی که می‌دانیم، وی مابقی عمر خویش را در شهرهای خوارزم و مرو (یاقوت، همانجا) گذراند و مدتی نیز در خوارزم سرپرستی داروخانه بهاء الدوله را برعهده داشت (جرجانی، همان، ۶۴۴). درباره زمان و محل مرگ وی نیز گزارشهای متفاوتی وجود دارد. سمعانی محل وفات او را شهر مرو دانسته، و از محمود بن محمد بن عباس صاحب کتاب تاریخ خوارزم نقل کرده است که جرجانی در ۵۳۱ق/۱۱۳۷م در مرو درگذشت (۹۱/۹۰-۹۱). بیهقی می‌گوید که جرجانی را در ۵۳۱ق — هنگامی که او در سنین کهولت به سر می‌برده — در سرخس دیده است (همانجا). حاجی خلیفه نیز به ۳ تاریخ مختلف، ۵۳۰، ۵۳۱، و ۵۳۵ق اشاره کرده است (۱۳۰/۱، ۷۱۶، ۸۲۴) که اگر تاریخ تولد او را در حدود سال ۴۳۴ بدانیم، باید گفت که او عمر درازی کرده است. خواندمیر او را تا زمان علاء الدین محمد بن تکش (حک ۵۹۶-۶۱۷ق/۱۲۰۰-۱۲۲۰م) زنده دانسته (۶۴/۷۲)، و ابن ابی اصیبعه او را ملازم علاء الدین شمرده است (۳۱/۲). با این فرض جرجانی باید بیش از ۱۵۰ سال عمر کرده باشد که ظاهراً این اشتباهات به سبب خلط نام دژ خوارزمشاه رخ داده است.

تحلیل آثار جرجانی نشان می‌دهد که وی بر آثار پیشینیان خویش تسلط داشته، و از ایشان اثر پذیرفته است. وی از پزشکان دوره اسلامی به ابن سینا، محمد بن زکریای رازی، ابوالحسن طبری ترنجی، احمد فرخ، عیسی بن صهاریخت و نیز به کتبی چون تذکرة الکحالیین علی بن عیسی کحال و از پزشکان یونانی به جالینوس، بقراط و اهرن اشاره کرده است (ذخیره، ۳۴۲، ۳۶۰، ۴۱۶، ۴۳۹، ۴۶۷، ۴۹۱، ۵۰۷، ۵۲۵، ۵۴۴، ۶۳۰، ۶۹۰).

جرجانی علاوه بر طب در علوم دینی نیز تحصیلاتی داشته است. به گفته سمعانی (همانجا) وی در نیشابور شاگرد ابوالقاسم عبد الکریم قشیری بوده، و از او روایت می‌کرده است (نیز یاقوت، همانجا).

#### آثار:

۱. ذخیره خوارزمشاهی (به عربی و فارسی): این کتاب نخستین و مفصل‌ترین اثر جرجانی در پزشکی است که آن را پس از ورود خود به خوارزم در ۵۰۴ق/۱۱۱۰م و برای قطب الدین محمد بن انوشکین خوارزمشاه (حک ۴۹۰-۵۲۱ق/۱۰۹۷-۱۱۲۷م) نگاشته است (نک: ص ۲). این اثر در کنار کتابهایی

یکی از آنان شهادت داد و شاهد دیگر، ابو عبدالله مروزی، به سبب حضور محمد بن یحیی حقیقت را کتمان کرد (هضو، الفهرست، ۸۰-۸۱)؛ اما میرداماد بر آن است که این شخص ابو عبدالله بزوفری بود، زیرا مروزی در ۴۰۵ق/۱۰۱۴م وفات یافته است، از این رو، نمی‌تواند معاصر جرجانی باشد (ص ۷۹-۸۰)، البته پس از آن مجلس فرد دیگری که جرجانی را می‌شناخت، بر صدق این مدعا گواهی داد و جرجانی از مجازات رهایی یافت (طوسی، همان، ۸۱).

آثار: از آثار وی که بیشتر در رد حشویه و فتون احتجاجات بر ضد مخالفان است، جز نامی باقی نمانده است: استنباط الحشویه؛ الاوائل؛ التسویه، که در آن به خطای کسانی می‌پردازد که ازدواج عرب را با موالی تحریم می‌کنند؛ التفویض؛ خلاف عمر بروایة الحشویه؛ الرد علی الاخبار الکاذبة؛ الرد علی الحنبلی؛ الرد علی الشجرى؛ الصهاکی، طلاق المجنون؛ الغوغاء من اصناف الامة من المرجحة و القدرية و الخوارج؛ فضائح الحشویه؛ فی تکاح السكران؛ المتعة و الزجعة و المسح علی الخفین و طلاق المتعة؛ محنة النائبة، که به وصف مذاهب حشویه و فضایح آنان می‌پردازد؛ مفاخر البکرية و العمرية؛ و مناظرة الشیعی و المرجئی، که درباره مسح بر کفش به هنگام وضو است (همانجا).

مآخذ: ابن شهر آشوب، محمد، مناقب آل ابی طالب، نجف، ۱۳۷۵ق/۱۹۵۶م؛ بروجردی، علی‌اصغر، طرائف النصال، به کوشش مهدی رجایی، قم، ۱۴۱۰ق/۱۹۸۹م؛ طوسی، محمد، رجال، به کوشش محمدصادق بحرالعلوم، نجف، ۱۳۸۱ق/۱۹۶۷م؛ هو، الفهرست، به کوشش جواد قیومی، قم، ۱۴۱۷ق/۱۹۹۶م؛ مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، بیروت، ۱۴۰۳ق/۱۹۸۳م؛ میرداماد، محمدباقر، الروائح السامیه، قم، ۱۴۰۵ق/۱۹۸۴م.

جرجانی، اسماعیل بن حسن بن محمد بن محمود بن احمد، طبیب نامدار سده‌های ۵-۶ق/۱۱-۱۲م. برای او القاب و کنیه‌های متفاوتی ذکر کرده‌اند: زین الدین، شرف الدین، ابو ابراهیم، ابو الفتح، ابو الفضائل، الامیر السید الامام، علوی حسینی، سپاهانی گرگانی، و طبیب علوی (نک: بیهقی، ۱۷۲؛ سمعانی، ۹۰/۱؛ فیلسوف الدوله، ۲۰۶؛ یاقوت، ۵۴/۲؛ مرکزی، خطی، ۷۵۵/۳). درباره سیر زندگی او آگاهی چندانی در دست نیست. برخی محل تولد وی را گرگان دانسته‌اند و با توجه به اینکه او خود در مقدمه ذخیره خوارزمشاهی از ورود خویش به خوارزم در ۵۰۴ق/۱۱۱۰م یاد کرده (ص ۲)، و در مقدمه ویرایش عربی ذخیره سن خود را هنگام نگارش آن کتاب ۷۰ سال گفته است (ره‌آورد، ۲۲۲)، می‌توان تولد وی را در ۴۳۴ق/۱۰۴۳م، یا اندکی پس از آن دانست. او احتمالاً مقدمات طب را در گرگان فراگرفت (نامه، ۲۹/۸). برخی از محققان او را از شاگردان ابن ابی صادق نیشابوری (ه م) دانسته‌اند (الگود، 215)؛ حال آنکه

MADDE YAYIMLANDIKTAN  
SONRA GELEN DOKÜMAN

- 1841 KAADAN, Abdul Nasser, TANNOUS, Najah &  
ASADI, Latif Saeed. Oral aphthous disease in the  
manuscript of (Zebdat al Tubb) by Al *Qureani Ism. Has.*  
Khwarezem-Shahi - edition and study. *Journal of* 030676  
*the International Society for the History of Islamic*  
*Medicine*, 14-15 / 27-28-29-30 (2015-16) pp. 1-7.

21 Kasım 2017

می‌فرستاد. او در حفظ صحت و علاج خوارزمشاه و ثوقی کامل داشت، چنان‌که توضیح این بیان را صاحب حیب‌السیر (ج ۲، ص ۶۴۱) در ذیل احوال خوارزمشاه تکش‌خان آورده است که «از جمله حاویان فضایل نفسانی سید اسماعیل بن حسن‌الحسینی الجرجانی زمان تکش‌خان را به‌وجود شریف مشرف داشت و به نام نامی آن پادشاه عالی‌شان ذخیره‌خوارزمشاهی بنگاشت».

جرجانی پزشکی را از ابن ابی‌صادق نیشابوری، ملقب به بقراط ثانی، فراگرفت. ابن ابی‌صادق صاحب کتاب شرح فصول بقراط و شاگرد ابن سینا بود که جرجانی در ذخیره‌خوارزمشاهی (ص ۳۴-۳۵) بارها از او یاد کرده است. استاد دیگر جرجانی، ابوالقاسم قشیری بود که از وی علم حدیث آموخت و سمعانی (ج ۱، ص ۹۹) و یاقوت حموی (ج ۲، ص ۵۴) به این نکته اشاره کرده‌اند: کار مهم جرجانی در تکوین دانش پزشکی ایران، تألیف کهن‌ترین و بزرگ‌ترین آثار پزشکی به زبان فارسی است. تا زمان جرجانی، منابع طب، چه آثار ترجمه‌شده و چه آثار تألیفی، عموماً به زبان عربی بود. آثار فارسی جرجانی، یعنی ذخیره‌خوارزمشاهی و یادگار و دو خلاصه ذخیره (حُفَی عَلاَیِی و الاغراض الطیبیة)، مجموعه مهمی است از واژگان پزشکی، نام اعضای بدن، بیماری‌ها، و نیز بسیاری از فعل‌ها و کلمات فارسی که امروزه کاربرد ندارند. جرجانی واژه‌های فارسی بسیاری در پزشکی وضع کرد که شایان توجه است (جرجانی، ذخیره‌خوارزمشاهی، کتاب سوم، مقدمه، ص بیست‌وشش-بیست‌وهشت).

## ذخیره‌خوارزمشاهی

این اثر، شامل ده کتاب و همه مباحث طب و تشریح و

زین‌الدین ابوابراهیم اسماعیل بن حسین بن احمد حسینی پزشک و نویسنده ایرانی در قرن پنجم و ششم هجری قمری است.

برای او القاب و کنیه‌های بسیاری ذکر شده است، از جمله شرف‌الدین، زین‌الدین، علوی حسینی، ابوابراهیم و طبیب علوی. به‌رغم اهمیت بسیار جرجانی در تکوین علم پزشکی در ایران، از زندگی او اطلاعات چندانی در دست نیست و تاریخ تولد او نیز دانسته نیست، بنابر قول یاقوت حموی (ج ۲، ص ۵۴) جرجانی در جرجان به دنیا آمد. مدتی در خوارزم و پس از آن در مرو زیست و سرانجام در سال ۵۳۱ ق در مرو درگذشت.

از برخی آثار جرجانی می‌توان اطلاعاتی درباره زندگی او به دست آورد. در کتاب ذخیره‌خوارزمشاهی (ص ۲)، مهم‌ترین اثر جرجانی به فارسی، آمده است که وی، در روزگار حکومت قطب‌الدین محمد خوارزمشاه، به خوارزم رفته است. همچنین وی در این کتاب (ص ۶۴۴) از سفر خویش به شهر قم یاد کرده، اما زمان این سفر را ذکر نکرده است و به نظر می‌رسد که در سال ۵۰۴ ق، قبل از ورودش به خوارزم، به قم سفر کرده باشد. جرجانی همچنین از ریاستش بر داروخانه بهاء‌الدوله در خوارزم و نیز شهرت بسیار خود یاد کرده است (همان جا).

جرجانی پس از آنکه در فنون علوم، به‌ویژه طب مهارت یافت در زمان خوارزمشاه قطب‌الدین تکش، که دوستدار اهل فضل و خواستار مردم باکمال بود، آهنگ سفر به خوارزم کرد و با رسیدن او به دارالملک، خوارزمشاه خیر آمدن وی را شنید و جوایز و جوایز حال وی شد و او را به‌نزد خویش فراخواند و فضایل وی را درک کرد. پس از آن، هر ماه هزار دینار مقرر می‌شد برای او

علی اکبر ولایتی ve dğr.; تقویم تاریخ فرهنگ و تمدن اسلام و

ایران، (جلد دوم) تهران: انتشارات امیرکبیر، ISAM DN. 260935

CURCANI, Ismail b. Hasan

91-933635

Jurjāni, Ismā'il ibn Ḥasan, 1042 or 3-1136 or 7. Khuffī 'alīyā : khuff-i 'alīyā, yā, al-khufyat al-'alīyā / ta'lif-i Ismā'il Jurjāni ; bāh kūshish-i Ali Akbar Viliyati, Mahmūd Najm'Abadi. -- Chāp-i 1. -- Tih-rān : Intishārāt-i Iqbalā'at, 1369 [1990 or 1991] 12, 261 p. ; 25 cm. In Persian; romanized record. Includes bibliographical references (p. 257-261) 2300.00IR (\$18.69 U.S.) (On ancient Persian medicines)

9 MAYIS 1992

MADDE YA TIRI ANDIKTAN SONRA GÖZÜK DÜKÜMAN

-Curcani, Ismail b. Hasan

ذخیره: خوارزمشاهی تألیف زین الدین ابوالبراهیم اسماعیل جرجانی سنه ۵۰۴ هجری باهتمام و تفسیر و تصحیح دکتر جلال مصطفوی شهر یورد ۱۳۵۲

MADDE YA TIRI ANDIKTAN SONRA GÖZÜK DÜKÜMAN

-Curcani, Ismail b. Hasan

ذخیره: خوارزمشاهی، تألیف زین الدین ابو ابراهیم اسماعیل جرجانی سنه ۵۰۴ هجری (به اهتمام و تفسیر دکتر محمد حسین اعتمادی- دکتر محمد شهراد- دکتر جلال مصطفوی) کتاب نخستین ۲۵ شهر یورد ۱۳۴۴

SCHMITZ, RUDOLF. Ibn Ismā'il Gorgāni und der Iranische Beitrag zur Geschichte der Pharmazie. Pp. 123-133 in H. Hügel, W.-H. Hein (eds.) Die Schelenz-Stiftung II 1954 bis 1972. Stuttgart: Wissenschaftliche Verlagsges., 1973.

14 ARALIK 1991

88-932310

Jurjāni, Ismā'il ibn Ḥasan, 1042 or 3-1136 or 7. Kitāb al-aghraq al-tibbiyah va al-mabāhig al-'alīyāh : 'aks-i nuskhah-i maktūb dar sā'l-i 789 Hijrī mahfūz dar Kitābkhānah-i Markaz-i Dānishgāh-i Tih-rān / az Ismā'il Jurjāni. -- (Tehran) : Intishārāt-i Bunyād-i Farhang-i Irān, 1345- (1966- v. 1- ) ; 29 cm. -- ('ilm dar Irān : Vol. 1 rec'd this month; to be complete in 2 v. In Persian; romanized record. "Intishārāt-i Bunyād-i Farhang-i Irān, 10." Ms. (photocopy), original in the Kitābkhānah-i Markaz-i Dānishgāh-i Tih-rān. For requesting libraries only. 1700.00IR (\$18.30 U.S.) (v. 1) (On Persian medicine; reprint of a manuscript)

TIP CURCANI ISMAIL HASAN

128

256. JORJANI, Zeyn al-din Abu Ebrāhim Esmā'il b. ... *Zaxire-ye x'ārezmshāhi* (sane-ye 504 h. q.), livre 3, 2<sup>e</sup> partie, éd., notes et comment. de J. Moṣṭafavi. Téhéran, 1356, vii-230 p. E. Anjoman-e Aṣḡar-e Melli, 136.

J. Moṣṭafavi s'est chargé d'éditer l'ouvrage célèbre de médecine, qui comporte dix livres. Ont déjà paru le livre 1 (AAM n° 51), 1344/1966; livre 2 (AAM n° 76), 1349/1971; livre 3, 1<sup>er</sup> pars (AAM n° 97), 1352/1974. Il s'agit d'une somme des connaissances sur la médecine, écrite en persan, achevée en 504/1110. Elle fut dédiée au premier souverain de la quatrième dynastie des Kh'ārazm-shāhs, Qoṭb al-din Moḥammad (490/1097-521/1127); Jorjāni vécut ensuite, et mourut à Marv. L'ouvrage dépend du *Qāmūn* d'Avicenne (voir Rypka, *History of Iranian Literature*, 1968, pp. 473-4). Cette 2<sup>e</sup> partie du livre 3 traite de l'évacuation du corps, du traitement des humeurs mauvaises, du traitement des effets de l'âme sur le corps, des états du corps, du soin à donner aux jeunes enfants, du soin des personnes âgées, du régime des voyageurs. C. F.

-Curcani, Ismail b. Hasan

۷۶ - ذخیره: خوارزمشاهی تألیف زین الدین ابو ابراهیم اسماعیل جرجانی سنه ۵۰۴ هجری به اهتمام و تفسیر و تصحیح دکتر جلال مصطفوی (کتاب دوم) - بهمن ۱۳۴۹

MADDE YA TIRI ANDIKTAN SONRA GÖZÜK DÜKÜMAN

SCHMITZ, RUDOLF; FARIBORZ MOATTAR. Zur Biobibliographie Isma'il Gorgānis (1040-1136): Der "Schatz des Königs von Hwārazm". *Sudhoffs Arch.*, 1973, 57:337-360. Concerning Gorgānis' 10-volume encyclopedia.

X [ISMĀ'IL AL-JURJĀNĪ.] ZAIN AL-DĪN ABU L-QĀSIM AL-JURJĀNĪ. *Dhakhīrah-i Khwārazmshāhī*. Ed. by Muhammad Ḥusain I'timādī, Muhammad Sharād, Jalāl Muṣṭafawī. Vol. 1. xxiv + 263 pp. Tehran: Anjuman-i Āthār-i Millī, 1344 (1965).

This is the first volume of a complete edition of the best known medical encyclopedia in Persian which has as yet never been printed. In this edition, prepared by several physician-scholars, ample medical explanation is given and comparisons are made with modern medical terminology and practice, but unfortunately the variations in the different texts used have not been indicated and on certain pages the reader is not clear as to whether he is reading the text itself or explanations added by the editors. S. H. NASH

Curcani, Ismail b. Hasan

CHANDPURI, K. Sharf al-Dīn Ismā'il Jurjānī. *Studies in history of medicine* 31 (1979) pp. 69-74.

6 SUBAT 1993

-Curcani, Ismail b. Hasan

20 SUBAT 1992

69. al-Curcānī, Zayn al-Dīn Ismā'il b. al-Ḥusayn (ölm. 531 h. = 1136 m., GAL, I, 487, S. I, 889-890).

*Zahīra-i ḥarazmshāhī*

Baş :

زانک کتاب ذخیره خوارزمشاهی ختم شد ... Manisa nr. 1771 (173 yaprak, ist. 753 h.).

[ISMĀ'IL AL-JURJĀNĪ.] ZAIN AL-DĪN ABU L-QĀSIM AL-JURJĀNĪ. *Dhakhīrah-i Khwārazmshāhī*. Ed. by Muhammad Ḥusain I'timādī, Muhammad Sharād, Jalāl Muṣṭafawī. Vol. 1. xxiv + 263 pp. Tehran: Anjuman-i Āthār-i Millī, 1344 (1965).

This is the first volume of a complete edition of the best known medical encyclopedia in Persian which has as yet never been printed. In this edition, prepared by several physician-scholars, ample medical explanation is given and comparisons are made with modern medical terminology and practice, but unfortunately the variations in the different texts used have not been indicated and on certain pages the reader is not clear as to whether he is reading the text itself or explanations added by the editors. S. H. NASH

R  
013091761  
IL BI

- Ilyas Farnini, 1959  
- A Bibliography of scholars in medieval Islam :  
150-1000 A. H. (750-1600 A.D)/ Ilias Fernini.  
Abu Dhabi: Cultural Foundation, 1998.  
xxx, 507p.; 30 cm.  
- Includes bibliography references, appendices and index.  
1. scholars, Muslim - Biography.  
2. Civilization, Islamic - Bio-bibliography.  
3. Bibliography, Critical.  
4. Civilization, Islamic - Bibliography. Title.

## A BIBLIOGRAPHY

OF

SCHOLARS

IN MEDIEVAL ISLAM

150 - 1000 A.H  
(750 - 1600 A.D)

|                                                                     |        |
|---------------------------------------------------------------------|--------|
| Türkiye Diyanet Vakfı<br>İslâm Araştırmaları Merkezi<br>Kütüphanesi |        |
| Dem. No:                                                            | 89 853 |
| Tas. No:                                                            |        |

Ilias Fernini, Ph.D.  
Faculty of Science  
United Arab Emirates University

All rights are reserved to the Cultural Foundation. Abu Dhabi

حقوق الطبع والنشر محفوظة للمجمع الثقافي  
الطبعة الأولى ١٩٩٨ م

\* الآراء الواردة في هذا الكتاب لا تعبر بالضرورة عن رأي الناشر \*

### DJAZZĀR (Ibn al-Djazzār)

*Abū Djāfar Aḥmad Ibn Ibrāhīm Ibn Abī Khālīd ibn al-Djazzār*  
*d. in 395 A.H (1004-5 A.D)*

Historian, geographer, physician - This famous physician<sup>127,128</sup> from Kayrawān lived a very simple life and was deeply involved in taking care of the poor as well as the rich. He died at an age of 80. Ibn al-Djazzār's medical works are around 20 titles, but most of them are lost.

The following titles are among his most important works:

(1) "*Kitāb Ṭibb al-Fuqarā*" (Medicine for the Poor), which is now lost. He wrote this book because of his attachment to the poor.

(2) "*Risāla fi Ibdāl al-Adwiya*" (Treatise on the Change of Medicines).

(3) "*Zād al-Musāfir*" (Traveller's Provision). This latter was introduced into Spain by his pupil 'Umar b. Ḥafs b. Bārik. It became known in Italy, and was translated into Greek during the author's lifetime. Later it was also translated into Latin and Hebrew. The *Zād* exists in Algiers (MS 1746, fols.1-75) in an incomplete manuscript. The original work consists of seven *maqāla*, but the Algiers copy has only part of the fifth, sixth, and the seventh *maqāla*. This work contains remarkable descriptions of smallpox and measles.

(4) "*al-'Iḡtimād fi al-adwiya al-Mufrada*" (On the Count of Simple Drugs). This work in four *maqāla* exists in Algiers (MS 1746, fols:113v<sup>o</sup>-216).

(5) another important medical work of him deals with the education and care of children from conception to adolescence.

<sup>127</sup> Idris, p. 754

<sup>128</sup> Sarton, p. 682

On history, Ibn al-Djazzār wrote :

(6) "*Kitāb Maḡh=azi Ifrikiya*", on the Arab conquest of Africa.

(7) "*Kitāb Akhbār al-Dawla*", on the Fatimid dynasty.

(8) "*Kitāb al-Ta'rif bi-Ṣaḡīḥ al-Ta'rikh*", a collection of biographies.

(9) "*Kitāb Ṭabaqāt al-Qudāt*" (On the Classes of Qadis).

On geography, Ibn al-Djazzār wrote "*Kitāb 'Aḡā'ib al-Buldān*", a book on the splendid cities.

### DJURDJĀNĪ (al-Djurdjānī)

*Al-Djurdjānī Ismā'īl Ibn al-Ḥusayn Zayn al-Dīn Abū'l Faḍā'il al-Ḥusaynī*

*d. in Marw in 531 A.H (1136 A.D)*

Physician - Al-Djurdjānī<sup>129,130</sup> is a noble and celebrated physician who wrote in Persian and in Arabic. He went to live in Khwārizm (504/1110) and became attached to the Khwārizm Shāh Quṭb al-Dīn Muḥammad (490/1097-521/1127), to whom he dedicated his medical work *Dhakhīra*, and Atsiz b. Muḥammad (521/1127-551/1156), who commissioned him to write a shorter compendium, *al-Khuffī al-'Alā'i*, so-called because its two volumes were small enough to be taken by the prince on his journeys in his boots (*khuff*). He later moved to Marw, the capital of the rival Sultān Sandjar b. Malikshāh, and died there.

Al-Djurdjānī wrote several short works on medicine. His first medical encyclopedia called "*Dhakhīra-i Khwārizmshāhī*" (Trea-

<sup>129</sup> Sarton, p. 234

<sup>130</sup> Schacht, p. 603

Fondée en 1949 par Henry Corbin,  
la Bibliothèque Iranienne  
est publiée  
par

L'INSTITUT FRANÇAIS DE RECHERCHE EN IRAN  
Boîte Postale 15 815-3495 Téhéran, Iran

*Couverture* : Carte du monde centrée sur la Mecque et indiquant correctement les directions et les distances par rapport à la Mecque. La carte, gravée sur cuivre, provient de l'Iran du XVII<sup>e</sup> siècle, mais appartient à une tradition de géographie mathématique qui semble remonter à plusieurs siècles (probablement à al-Bīrūnī au début du XI<sup>e</sup> siècle, si ce n'est à Ḥabaš al-Ḥāsib au IX<sup>e</sup> siècle.) (Photo Christie's of London).

# LA SCIENCE DANS LE MONDE IRANIEN À L'ÉPOQUE ISLAMIQUE

*Études réunies et présentées*

par

Ž. VESEL, H. BEIKBAGHBAN  
et B. THIERRY de CRUSSOL des EPESSE

Actes du colloque tenu à  
l'Université des Sciences Humaines de Strasbourg  
(6-8 juin 1995)



INSTITUT FRANÇAIS DE RECHERCHE EN IRAN  
TÉHÉRAN 1998



B. THIERRY DE CRUSSOL DES EPESSE

## LES APPORTS DU « DISCOURS SUR L'ŒIL » D'ISMĀ'ĪL GURGĀNĪ

*Daḥīra-yi Ḥ'ārazmšāhī* (Le Trésor du Šāh du Ḥ'ārazm) (H. 504/1110) d'Ismā'īl Gurgānī (environ 1042-environ 1136) passe depuis Paul Horn pour être un ouvrage de simple compilation, peu porteur d'informations originales.

Or, une analyse du « Discours sur l'œil » qui figure au Livre VI de cette encyclopédie médicale (*Discours II*), permet de constater que Gurgānī s'est penché de manière personnelle sur l'ophtalmologie : si l'on compare les volumes consacrés par Avicenne à l'ophtalmologie au sein de toutes les maladies, le total représente 6,5% de la partie du Canon qui traite des pathologies, soit le *fann* III sur les 16 *fann*-s du Livre III, ce *fann* III étant par ailleurs peu original. Or, la part de l'ophtalmologie passe à 11% dans le *Daḥīra-yi Ḥ'ārazmšāhī*, et à 13% dans les *Aḡraḍ al-Tibbīya* qui sont un résumé du *Daḥīra*.

D'autre part, il semble que tout de suite le texte de Gurgānī sur l'ophtalmologie ait été considéré comme ayant un intérêt propre dans cette discipline : Yūsufī de Hérat (1494-1556/H. 899-937) le cite comme tel et le démarque.

Les apports du « Discours sur l'œil » de Gurgānī ne sont pas seulement d'ordre médical, mais concernent de nombreux domaines des sciences humaines sur lesquels ils peuvent fournir un éclairage nouveau ; aussi distinguerons-nous dans le champ des apports celui des données médicales et celui des données connexes.

### 1- DONNÉES MÉDICALES

Le « Discours sur l'œil » présente un double intérêt sous l'angle médical : non seulement il offre une description spécifique des maladies de l'œil, mais il constitue aussi un document-témoin de la situation épidémiologique de l'époque. En effet, une maladie ne se décrit convenablement que si on l'a sous les yeux, et l'auteur, qui travaillait à la *dārū-ḥāna* de Ḥ'ārazm, y était bien placé pour apprécier les infections endémiques, bien mieux qu'au sein de la Cour où il exerçait aussi, parmi les membres d'une élite protégée.

Ce qui frappe avant tout, c'est la sur-représentation des maladies infectieuses et parasitaires dans le « Discours sur l'œil ».

468 HOSSEINI, Seyed Fazel & others. Hakim Esmail *Cürçani İsm. Has*  
Jorjani (1042-1137 AD): Persian physician and jurist. *b. Haruf*  
*Archives of Gynecology and Obstetrics*, 284 iii (2011) 030676  
pp.647-650.

351 HOSSEINI, Seyed Fazel & others. Hakim Esmail *Cürçani İsm. Has*  
Jorjani (1042-1137 AD): Persian physician and jurist. *030676*  
*Archives of Gynecology and Obstetrics*, 284 iii (2011)  
pp.647-650.

27 Nisan 2017

MADDE YAYIMLANDIKTAN  
SONRA GELEN DOKÜMAN

MADDE YAYIMLANDIKTAN  
SONRA GELEN DOKÜMAN

1620 HOSSEINI, Seyed Fazel & others. Hakim Esmail *Cürçani İsm. Has*  
Jorjani (1042-1137 AD): Persian physician and jurist. *030676*  
*Archives of Gynecology and Obstetrics*, 284 iii (2011)  
pp.647-650.

قسم مصطفى أفندي، رقم 1159، ورق ط 87 - ط 114 [ بالإضافة إلى كوبريلي ] قسم فاضل احمد باشا، رقم 689، ورق 277 أ - 301 ط [ من الأقسام المحفوظة في مجموعات مسجلة بالمكتبة.

ويذكر المؤلف بالمقدمة بأنه عند مراجعته للأعمال التي أعدها علماء الحنفية فإنه قرر كتابة مثل هذا الكتاب للحاجة الماسة لأصحاب الفتوى لما لهذا الكتاب من أهمية كبيرة نظراً لكونه شاملاً لمعلومات من مصادر متعددة. ويحوي الكتاب إلى جانب الأحكام الصادرة من الأحداث العادية بعض الأحكام من الأحداث النادرة. والكتاب عبارة عن ملخص للأعمال المهمة للأئمة الحنفيين وعلماء الدين فيما بعد. ويقدم الكتاب في البداية كتب الإمام محمد وكتاب «الكافي» للحاكم الشهيد، بالإضافة إلى قائمة المصادر التي استعملها:

ففي كتاب خزانة الأكمل الذي تم ترتيبه حسب الترتيب العام لكتب الفقه التقليدية، فإن تسلسل العناوين الثانوية لم يكن مرتباً حسب هذا الترتيب التقليدي كما ذكر المؤلف في المقدمة. فبدلاً من وضع أبواب لحصر معلومات خاصة بموضوع ما، فقد تم جمع هذه المعلومات تحت عناوين مثل: جمعة، غسل، جنازة، اعتكاف... الخ. وفي هذا الكتاب الذي يعتبر كتاب فتوى وسُجِلت فيه آراء طلاب أبي حنيفة، لم يتم ذكر الدلائل، بل وردت الآيات في بداية الأقسام الرئيسية. ونظراً لأهمية كتاب خزانة الأكمل لكونه عملاً يحتوي على ملخصات العديد من الكتب، فقد ختم في نهايته حياة

الرسول ﷺ ومعلومات خاصة عن عصر الخلفاء الراشدين، في منظور زمني، ويحتوي الكتاب فيما بعد على طبقات الصحابة وفقهاء التابعين وزاهدي التابعين ورؤساء التابعين والأصوليين (الكلاميين) الأوائل، كما يتضمن الكتاب الأئمة أصحاب المذاهب الذين جاؤوا بعد التابعين والفقهاء الآخرين وفقهاء أهل البيت.

### المصادر والأعمال

- الذهبي، سير أعلام النبلاء، XX، 208 - 207؛ • القُرشي، الجواهر المضيئة، نشر عبدالفتاح محمد الحلو، القاهرة 1393 - 1399، II، 568، III، 631 - 630؛ • ابن تغري بردي، النجوم الزاهرة، القاهرة، 1956، V، 282؛ • ابن قطلوبغا، تاج التراجم، نشر م. خير رمضان يوسف، دمشق، 1413هـ - 1992م ص 310، 318؛ • التميمي، الطبقات السنية، مكتبة السليمانية، قسم رئيس الكتاب، رقم 673، ورق 33أ، 567؛ • علي الكاري، الأثمار الجنية، مكتبة السليمانية، قسم شهيد علي باشا، رقم 1841، ورق 86 ب؛ • حاجي خليفة، كشف الظنون، I، 702؛ • محمد كامي الادرنوي، محامل الفقهاء، مكتبة السليمانية، قسم عاشر افندي، رقم 422، ورق 68 ب، 83؛ • اللكنوي، الفوائد البهية، القاهرة، 1324، صفحة 231؛ • بروكلمان، Geshicht der

Arabischen Literature, Panta Public Library: an Introduction to the khuda Oriental and Eastern, V.C. Scott O'Connor, I, 639, 969 - 970 Supplement, I, 461,

• م. مفتي الحافظ، فهرس مخطوطات دار الكتب الظاهرية، الفقه الحنفي،

دمشق، 1401هـ/1980م، I، 294 - 295؛ • احمد أوزال، علماء الفقه الحنفي، انقره، 1990، صفحة 45.

د. أحمد أوزال  
مركز الدراسات الاسلامية  
اسطنبول - تركيا  
ترجمة: تورنجان كوثر

### الجرجاني، أبو الفضائل إسماعيل بن حسين

(ت 531هـ/1137م)

#### تذكر

المصادر أن اسم والده هو حسين، ولقبه شرف الدين، وكنيته أبو الفضائل، وأجداده من أسباط أصفهان. ولد في عام 434هـ الموافق عام 1042م في جرجان. وقضى قسماً كبيراً من حياته هناك. ويذكر أنه أثناء وجوده هناك التقى بعض طلاب ابن سينا. وذهب إلى نيسابور لتلقي العلم، ودرس الطب على يد أبي القاسم عبد الرحمن بن علي النيسابوري وهو أحد طلاب ابن سينا، وكان يلقب بـ «بكرة الثاني»، ويدعى بـ «ابن أبي صادق». كما حصل علم الحديث على يد أبي القاسم القشيري. ولمدة من الزمن مكث في قم ومرو. ثم ذهب بعد ذلك في عام (504هـ/1110م) إلى خوارزم في عهد قطب الدين محمد خوارزم شاه.

مكث الجرجاني فترة طويلة في خوارزم. وحقق نجاحات كبيرة في مجال التدوي

والجراحة أثناء فترة وجوده هنا. وكتب مؤلفه الشهير «الذخيرة» الذي يدور حول مجال الطب في هذه المنطقة، وقام بإهدائه إلى السلطان المذكور. ومكث سبعة عشر عاماً في حماية محمد قطب الدين شاه (490هـ/1097م - 521هـ/1127م) وحظي بعناية واهتمام كبيرين من قبل السلطان. وتمت مكافأته على أبحاثه التي أنجزها. كما تم إسناد إدارة مستشفى بهاء الدولة إليه. وفي عام 521هـ/1127م دخل في حماية أئسز بن محمد وذلك عند وفاة قطب الدين شاه. وتعمقت علاقاته فيما بعد مع صديقه أئسز وذلك أثناء فترة الشهادته لك. وقدم إليه كتابيه «حفي علائي» و«الأغراض الطبية»، وهما كتابان في مجال الطب. ويذكر أنه أهدى مؤلفه إلى وزيره مجد الدين صاحب بن محمد البخاري.

قضى الجرجاني بقية عمره مستقراً في مرو في



جرجانی، اسماعیل بن حسین، پزشک و نویسنده ایرانی قرن پنجم و ششم که به ویژه آثار پزشکی مهمی به زبان فارسی تألیف کرد. برای او چندین لقب و کنیه ذکر شده است، از جمله ابوالبراهیم، زین الدین، شرف الدین، علوی حسینی و طبیب علوی (← بیهقی، ص ۱۷۲؛ سمعانی، ج ۱، ص ۹۰؛ ابن ابی اصیبعه، ج ۲، ص ۳۱؛ یاقوت حموی، ج ۲، ص ۵۴؛ ابن فضل الله عمری، سفر، ۹، ص ۲۵۸؛ برای صورت القاب متعدد و گاه متناقض جرجانی ← دانش پژوه، ۱۳۳۵ ش، ص ۷۵۵).

به رغم اهمیت فراوان جرجانی در تطور دانش پزشکی در ایران، دانسته‌های بسیاری از زندگی او در دست نیست. کهن‌ترین اطلاع از زندگی جرجانی نوشته مورخ همعصرش، محمود بن محمد بن عباس خوارزمی (۴۹۲-۵۶۸)، در کتاب گمشده تاریخ خوارزم می‌باشد که تنها به واسطه نوشته سمعانی به دست ما رسیده است. بر اساس نوشته خوارزمی، جرجانی مدت‌ها در گرگانج (از شهرهای پررونق خوارزم در اوایل دوره خوارزمشاهیان) زندگی کرد و در ۵۳۱ در مرو درگذشت (← سمعانی، ج ۱، ص ۹۱). یاقوت حموی نیز (همانجا) اطلاع چندی در باره زندگی جرجانی به دست داده است؛ بنا به نوشته او، جرجانی در جرجان به دنیا آمد. ابتدا در خوارزم و سپس در مرو زندگی کرد و در ۵۳۱ در همانجا درگذشت. یاقوت (همانجا) همچنین ابوالقاسم قشیری\* (۳۷۶-۴۶۵)، صوفی و فقیه مشهور، را از جمله استادان جرجانی دانسته و نیز نوشته که جرجانی به ابوسعید عبدالکریم بن محمد سمعانی (۵۰۶-۵۶۲)، محدث و مورخ و نسب‌شناس مشهور، اجازه روایت حدیث داده است. این نوشته یاقوت، که نویسندگان معاصر بسیاری (از جمله تاجبخش، ج ۲، ص ۳۱۸) آن را تکرار کرده‌اند، با توجه به این که سمعانی در میان آثار متعدد خود تنها در بخش کوچکی از التّحییر (همانجا) به جرجانی اشاره کرده و از جمله در معجم الشیوخ خود (که اختصاص به معرفی استادان و بزرگان عصر خود دارد) نامی از جرجانی نبرده است، درست به نظر نمی‌رسد.

پاره‌ای از اطلاعات در باره زندگی جرجانی از لابه‌لای آثار متعدد خودش به دست می‌آید. در سطور نخستین ذخیره خوارزمشاهی، مهم‌ترین اثر تألیفی جرجانی به فارسی، او از ورود خود به خوارزم در زمان امارت قطب الدین محمد خوارزمشاه، امیر محلی خوارزم (حک: ۴۹۰ یا ۴۹۱-۵۲۱)، در ۵۰۴ یاد کرده است (ص ۲). در همین موضع از ویرایش عربی این کتاب که به نام الذخیره الخوارزمشاهیه مشهور است، جرجانی (گ ۲) از جمع‌آوری ذخیره در سن هفتاد سالگی یاد کرده است. بر اساس مطلب اخیر، بسیاری (از جمله نجم‌آبادی، ج ۲، ص ۷۱۹؛ تاجبخش، ج ۲، ص ۳۱۸؛ معطر و شمس



برگی از ذخیره خوارزمشاهی اثر اسماعیل جرجانی، متعلق به ۱۰۶۴

اردکانی، ص ۷) سال تولد جرجانی را ۴۳۴ نوشته‌اند. در حالی که چون این روایت در نسخه‌های متعدد فارسی ذخیره خوارزمشاهی (که در دسترس است) ذکر نشده، به نظر می‌رسد اشاره به هفتاد سالگی مؤلف معطوف به زمان پایان یافتن متن فارسی ذخیره در دوره حکومت قطب الدین محمد و پس از ورود او به خوارزم در ۵۰۴ باشد و نه الزاماً سن او به هنگام ورودش به خوارزم. در نسخه فارسی این کتاب (ص ۶۴۴)، جرجانی از سفر خود به قم یاد کرده است. از زمان این سفر اطلاعی در دست نیست، جز اینکه قاعدتاً باید پیش از ۵۰۴ و زمان ورود او به خوارزم باشد. جرجانی همچنین (همانجا) از اشتغالش بنه سرپرستی داروخانه بهاءالدوله در خوارزم و شهرارش که باعث مراجعه بسیار مردم به او می‌شد، یاد کرده است. او کتاب دیگر خود الأغراض الطیبیه (خلاصه ذخیره خوارزمشاهی) را در زمان حکومت ابوالمظفر آتیسزین محمد (حک: ۵۲۱-۵۵۱)، پادشاه خوارزمشاهی و فرزند قطب الدین محمد، و بنا به سفارش مجدالدین ابومحمد صاحب بن محمدبخاری، وزیر اتسز که اطلاع دیگری از او در دست نیست، تألیف کرد (← جرجانی، ۱۳۴۵ ش، ص ۳). ذکر نام ابومحمد بخاری و تألیف کتاب به دستور او یقیناً مربوط به شروع

الخوارزمي في مدينة خيوة التي تقع الآن في تركمانستان. وقد ترجم المؤلف نفسه هذه الموسوعة إلى اللغة العربية، وترجمت بعد ذلك إلى التركية العثمانية بقلم عبد الله فضل محمد بن إدريس دفترلي (ت 1575م)، كما ترجمت إلى الأردية حديثاً بقلم محمد هادي حسين. ولهذه الموسوعة ملخص في مجلد واحد أعد بطلب مجد الدين وزير ملك خوارزم.

ألف إسماعيل كتباً متعددة في الطب، منها: تعليق الشيخ الرئيس، وزبدة الطب، كما ألف كتاباً في طب العيون بالفارسية. ويتضح في كتبه استمرار التقاليد العلمية الطبية في الحضارة الإسلامية التي تقوم على تراث اليونان والإضافات بالعربية، وتشهد كتبه أيضاً بالاهتمام بالجراحة، وكذلك بالإفادة من الأسس العلمية وواقع الممارسة الطبية. وفي كتب إسماعيل الجرجاني ملاحظات من واقع الخبرة، منها أن طقس خوارزم جميل ومناسب لصحة الإنسان وهواه أفضل من باقي مناطق آسيا الوسطى.

إن إسماعيل الجرجاني هو أول عالم في آسيا الوسطى درس أثر البيئة في حياة الإنسان، وربط الأمراض بتغيرات الطقس في فصول السنة، وعلم الطب عنده يتضمن أيضاً الربط بين نظام التغذية والصحة، وفائدة النظافة والحمام والماء المعدني في حفظ الصحة، كما عرف أيضاً نظام العلاج بالطين الذي أشادت به دراسات حديثة عن تاريخ الطب في خوارزم القديمة بوصفه أحد علمين كبيرين، والثاني هو عمر الشغميني. ومن كتبه مخطوطات في مكتبات مختلفة، منها نسخ في

كان عالماً في عدة تخصصات، في مقدمتها: الأدب، والجغرافيا، ولكنه اشتهر في عصره بعلمه وخبرته في الطب في المقام الأول. وصل صيته إلى قصر ملك خوارزم وسرعان ما كان له منصب كبير، كان كبير الأطباء في عهد أبي الفتح قطب الدين محمد بن أنوشتكين خوارزم شاه، وأهدى إليه كتابه: «ذخيرة العلم»، فعرف هذا الكتاب بـ«ذخيرة خوارزمشاه نسبة إلى المهدي إليه.

اهتم إسماعيل أيضاً بالنباتات الطبية والعقاقير، وله كتاب في «الأقرباديين». وذكر في كتبه قصة اتصاله بالقصر، ذلك أن أنوشتكين ملك خوارزم كان مريضاً فتولى علاجه وشفى. ولكن إسماعيل لم يكن واثقاً من كمال علمه بالطب فاشتغل به أكثر وأكثر وعمق المعرفة بجوانبه المتعددة، فأصبح الطبيب الأول في القصر. استمر في هذه المكانة أيضاً في عهد علاء الدين أترس. ولكنه في خريف عمره ذهب إلى مرو واستقر بها إلى حين وفاته، وقبره هناك.

كان تعليم الطب يتم في الدولة الخوارزمية بالعربية، والفارسية، وبهما درس إسماعيل وألف كتبه الطبية الكثيرة. بعض كتبه مؤلف أولاً بالفارسية ولكن المؤلف نفسه ترجمه إلى العربية تلبية لرغبة بعض العلماء الذين وجدوا العربية أكثر انتشاراً في الدوائر العلمية في العالم الإسلامي. أشهر كتبه الطبية تلك الموسوعة الطبية الكبيرة في عشرة مجلدات التي ألفها لملك خوارزم، وعرفت بعنوانها الفارسي: «ذخيرة خوارزمشاه»، وهو أهم كتب الطب في القرن السادس الهجري/الثاني عشر الميلادي، ومنه نسخة في متحف تاريخ الطب

الشافعية الكبرى، تح. محمود الطناحي وعبد الفتاح الحلو، القاهرة 1384هـ/1965م؛ ابن خلكان، وفيات الأعيان، تح. محمد محيي الدين عبد الحميد، القاهرة 1367هـ/1948م؛ الحنبلي، ابن العماد، شذرات الذهب، بيروت 1399هـ/1979م، ط 2؛ بردي، ابن تغري، النجوم الزاهرة، دار الكتب، القاهرة؛ مبارك، زكي، النشر الفني، 7/2 - 16؛ عباس، إحسان، تاريخ النقد الأدبي عند العرب، بيروت 1391هـ/1971م، 335 - 312؛ مطلوب، أحمد، اتجاهات النقد الأدبي في القرن الرابع للهجرة، بيروت 1393هـ/1973م؛ مطلوب، أحمد، دراسات بلاغية ونقدية، بغداد 1400هـ/1980م.

د. أحمد مطلوب  
المجمع العلمي العراقي

علمية وأصول فنية قاس بها شعر المتنبي، ودفع عنه كثيراً مما أثير حوله من نقد لأن أهل الأدب كانوا فئتين في المتنبي: من مطنب في تقيضه ومنقطع إليه بجملة، وإلى عائب يروم إزالته عن رتبته. وكلا الفريقين إما ظالم له أو للأدب فيه. وكان كتاب الجرجاني، وهو القاضي وساطة بين المتنبي وخصومه، وقد اتضح فيه العدل والإنصاف، وعد من أهم ما كتب عن المتنبي قديماً.

### أعماله ودراساته

● الثعالبي، يتيمة الدهر، تح. محمد محيي الدين عبد الحميد، القاهرة 1375هـ/1956م، ط 2؛ ياقوت الحموي، معجم الأديب، تح. د. مرجليوث، القاهرة 1928م، ط 2؛ الأسنوي، طبقات الشافعية، تح. عبد الله الجبوري، بغداد 1390هـ؛ السيوطي، بغية الوعاة، تح. محمد أبو الفضل إبراهيم، القاهرة 1384هـ/1964م؛ السبكي، تاج الدين، طبقات

الجرجاني، أبو إبراهيم إسماعيل بن حسان بن محمد

(473هـ/1080م - 531هـ/1136م)

وعلمياً وفنياً مرموقاً في إطار الحضارة الإسلامية. كان مولد إسماعيل في مدينة استباد بالقرب من بحر قزوين أيضاً، وأغلب الظن أنه بدأ يتعلم بها ثم انتقل إلى جرجان وارتبطت حياته بها، وأصبح من أعلام علمائها.

هو زين الدين أبو إبراهيم إسماعيل بن حسان بن محمد الحسيني الجرجاني، نسبته إلى مدينة جرجان إلى الجنوب الشرقي من بحر قزوين، وكانت قد أصبحت منذ القرن الرابع الهجري/العاشر الميلادي، مركزاً ثقافياً

## REFERENCES

1. On Arabic medicine see: M. Ullmann, *Die Medizin im Islam*, Leiden/Cologne 1970; E. G. Browne *Arabic Medicine*, Cambridge 1962 (reprint of 1921 edn.); M. Meyerhof, "Esquisse d'histoire de la pharmacologie et botanique chez les Musulmans d'Espagne" *al-Andalus*, 1935, 3, 1-41; Ibn Abi Usaybi'a, *Uyun al-anba fi tabaqat al-atibba*, Cairo 1882 and Beirut 1965.
2. C. Singer, "The Greek Herbal in Antiquity", *J. Hellen. Studies* 1927; B. Fares, *Le Livre de la Theriaque*, Cairo 1953; M. Levey, *Early Arabic Pharmacology*, Leiden 1973, p. 131-145.
3. Dioscorides; Pedanii Dioscoridis Anazarbel, *De Materia Medica Libri quinque*, (K); ed. D. C. G. Kuhn, Leipzig, 1829; (W): ed. M. Wellmann, Berlin 1907.
4. Ibn Juljul's account is reported by Ibn Abi Usaybi'a, op. cit., (Cairo edn.) II, 47-48
5. Madrid 4981
6. (a) The Abridged version of 'The Book of Simple Drugs' of Ahmad ibn Muhammad al-Ghafiqi by Gregorius Abul-Faraj (Barhebraeus), ed. M. Meyerhof and G. P. Sobhy, Cairo, 1932-40; Abdallah b. Ahmad Ibn al-Baytar, *al-Jami li-mufradat al-adwiya wa l-aghdiyya*, Cairo, 1874.
7. C. E. Dubler and E. Teres, eds. *La version arabe de la 'Materia Medica' de Dioscorides (texto, variantes e indices)*, Tetuan and Barcelona, 1952.
8. *Esh* as used here is to be distinguished from the Indian plant of this name — see M. Meyerhof, "The Article on Aconite from al-Biruni's *Kitab al-Saydana*", *Islamic Culture*, 19(4) 1945.
9. *al-Marrakushi's history* edited by R. Dozy as *The History of the Almohades*. Amsterdam 1968, p. 40.
10. *Bayd* 34, f. 201a.
11. *Maimonides*, *Sharh asma al-uqqar*, ed. M. Meyerhof, Cairo 1940, No. 81.
12. *Nuruosmaniye MS 3589*, Istanbul, f. 80b-129b.
13. The Arabic word after *ashaddu* is not clear, but must be meant to correspond to the Greek *epeschismena*, (more) deeply split or incised.

Cürconi. Ismail b. Hüseyin Ebül-Fezail Zaynaddin  
Ismail b. el-Hasan. (V. 530/1136)

## THE WORKS OF ISMAIL AL-JURJANI (C. 480-531 H.)

An Important Source Material

by

Hakim Mohammed Said

Historians of science must know science and history; the most perfect knowledge of the one is insufficient without some understanding of the other. Our world is in a state of constant flux and change and this change is mainly due to the development of science. The distance between the ancient and medieval, medieval and modern world is bridged by an infinity of small steps. The man of science seeks truth above everything else. Absolute truth is not attainable all at once — the man of science knows that. But he knows also that he can come nearer to the truth gradually, by a method of study and research, digging out source material, sifting facts from uncertainties, separating scientific ideas from superstitions. This involves a study of the traditions of science, the benefactors of the past, the great men of science who opened up new fields, the lesser men who helped them — on whose shoulders we stand and reach to the stars. The historians of science know them from the texts written by those men. These texts, in spite of the vicissitudes of ownership and time, have survived and finally passed on to the libraries of the world and have been preserved for study and research.

The main problem or task of the historian of science is to recognise and identify the genuine from the counterfeit, those texts whose authorship is purebred and not questionable. Dr. George Sarton has talked of the miracle of creation and still more of the miracles of transmission. The miracle of transmission is subject to the mutilations of time, of interpolators, copyists, ghostwriters, plagiarists, and palimpsest writers, all which make the hunt for genuine material full of risk and adventure. However each case must be judged on its own merits and true authorship must be ascertained.

My presentation today deals with the lesser known, but more reliable texts of Ibn Jurjan, a forerunner of modern medical science. His expositions and treatises are astounding in that his knowledge of the human body and its diseases reveal an in-depth which would do credit to a modern physician. Ibn Jurjan's ideas and knowledge have added to the vast corpus of medical knowledge that we have inherited in the best tradition. As such his works warrant a deeper study because without it we would not be able to have a correct and truthful perspective of the history of medical science.

Ismail bin al-Hasan al-Jurjani ( اسماعيل بن الحسن الجرجاني ) was a very

Hamdard Medicines c. 20 (S. 7-12), S. 71-80 (1977) (KARACHI)

16 MAYIS 1994

heavenly origin (cf. de Gubernatis, II, p. 117; Porteous, p. 258), such trees owe their sacred character to a variety of causes connected with holy personages, who may have planted them, rested in their shade, partaken of their fruits, or otherwise blessed them. There is hardly a town or village in Persia that does not boast one or more such sacred trees. The fruit of these trees may be eaten and their leaves taken for medicinal or other purposes, but no one may break off a branch (Massé, *Croyances*, pp. 219-20, 222; Francklin, I, p. 74; Ouseley, I, p. 313, III, p. 435; Hedāyat, p. 169; Balāgi, II, pp. 178-79; Donaldson, p. 142). Often small mirrors are fastened to these trees and candles lighted. Sometimes, especially if a tree is very large or old, so that the branches are out of reach, nails are driven into its trunk and *daḳīls* fastened to them, rather than to the tree itself (Massé, *Croyances*, pp. 219-20, 222). Often trees that have grown in graveyards or that stand alone in an otherwise barren landscape are considered sacred, and legends about a saint's special relation to a given tree frequently reinforce its sanctity.

*Bibliography:* R. Anzābīnēzād 'et al., *Farhang-e mo'āser*, Tehran, 1366 Š./1987. 'A. Balāgi, *Ketāb-e tāriḳ-e Nā'in*, 2 vols., Tehran, 1369/1949-50. B. A. Donaldson, *The Wild Rue*, London, 1938. W. Francklin, *Observations Made on a Tour from Bengal to Persia in the Years 1786-7*, 2 vols., Calcutta, 1788. A. de Gubernatis, *La mythologie des plantes ou les légendes du regne végétal*, 2 vols., Paris, 1878-82. Š. Hedāyat, *Neyrangestān*, Tehran, 1341 Š./1962. M. 'A. Jamālzāda, *Farhang-e loḡāt-e 'āmī(y)āna*, ed. M.-J. Maḥjūb, Tehran, 1341 Š./1962, p. 126. Z. Kānlari, *Farhang-e adabiyāt-e fārsi-e darī*, Tehran, 1348 Š./1969. W. Ouseley, *Travels in Various Countries of the East, More Particularly Persia*, 4 vols., London, 1819. A. Porteous, *Forest Folklore*, London, 1928. Sa'dī, *Golestān-e Sa'dī*, ed. Ğ.-Ḥ. Yūsofi, Tehran, 1368 Š./1989. J. Šahrī, *Tāriḳ-e ejtemā'i-e Tehrān dar qarn-e sizdahom*, 6 vols., Tehran, 1368 Š./1989. E. Šakūrzāda, *Aqāyed o rosūm-e mardom-e Korāsān*, 2nd ed., Tehran, 1363 Š./1984.

(ḤOSAYN-'ALĪ BEYHAQĪ)

**DAKIRA-YE K'ĀRAZMŠĀHI**, a Persian encyclopedia of medical knowledge compiled by Sayyed Esmā'il b. Ḥosayn Jorjānī and dedicated to his patron, the ruler of K'ārazm, Qoṭb-al-dīn Moḥammad K'ārazmšāh (r. 490-521/1097-1127). It is the most comprehensive medical treatise written in Persian up to that date, incorporating the findings of earlier physicians recorded in Arabic and Persian books, as well as observations from Jorjānī's own medical practice. It is also a fine example of early Persian prose, simple and unornamented, lucid and graceful. Fragmentary manuscripts of the work are numerous, but, because of its great length, complete manuscripts are rare. The text has not yet received a critical treatment, though editions of the first two books are available. 'Ali-Akbar Sa'dī Sīrjānī published a facsimile edition of

one manuscript of the entire work; it is dated 603/1206 and is apparently the oldest surviving complete manuscript.

The *Daḳira* consists of ten books (*ketāb*). Book 1 includes six discourses (*gc'ār*) comprising seventy-one sections (*bāb*); the discourses are devoted to the practical and scientific aspects of medicine, its benefits, and the elements of which the human body is composed (i.e., the four humors); definition of different temperaments (*mezāj*) as the product of particular combinations of humors; description of the four fluids (*kelr*)—blood, phlegm, and yellow and black bile—that constitute the four humors and the reasons why they appear; the anatomy of the parts and organs of the body; and the vital or animal force (*qowwat-e ḥayawānī*), the psychic force (*qowwat-e nafsanī*), and the parts of the body related to each.

Book 2 contains nine discourses on states of health. The first is devoted to definitions of good health and disease; diseases affecting particular parts of the body; the distinction between disease, its cause, and its side effects (*'awārež*); hereditary diseases, and so on. The second is focused on such symptoms and adjuncts of ill health as hyperemia, disorders of the humors, inflammation, and the like. The third includes a description of the pulse and discussion of pulse rates. In the fourth normal and abnormal breathing are treated, in the fifth the color and smell of urine as diagnostic symptoms. The sixth discourse is devoted to the digestive system and effects on defecation resulting from various diseases. In the seventh the effects of various disease on perspiration are treated and in the eighth expectorated fluids and types of sputum. The final discourse encompasses such symptoms of disease as abnormally high or low temperatures, excessive or insufficient moisture, inflammations, aches, and acquired deformities; changes and conditions occurring in the healthy body (menstruation, pregnancy, childbirth, sexual differentiation, growth, etc.); and causes of death.

Book 3 consists of two parts on maintaining good health. The first part contains seven discourses, of which the first treats the atmosphere, environments for human life, weather and its effects, and seasons and seasonal diseases. The second discourse is on water, its kinds, testing and filtering, and bathing; the third is on food, the nutritional properties of different types (cereals, meats, seasonings, dairy products, vegetables, fruits, wild herbs, sugary substances, and oils), methods of preservation, and effects of diet on temperament. In the fourth book alcoholic drinks, their medical aspects and harmful effects, reasons for preferring those made from grapes to other kinds, characteristics of some other drinks, the incidence and degrees of drunkenness and its prevention, the etiquette of drinking wine, and methods of making various kinds of wine are treated. The fifth book is devoted to sleep, its nature and function, and treatment of insomnia, the sixth to physical exercise, its necessity and side effects. The final book of the first part is devoted to the choice of clothing and merits and demerits of various

One of the leading physicians of Cairo, if not the leading one, was the Samaritan Abū Sa'īd al-'Afīf, of whom we have spoken above in section C. On the other hand, the absence of Jewish-Arabic physicians is very remarkable, if one remembers their preponderance in Cairo in the preceding centuries (Introd. 2, 307, 523, 788). Though the Mamlūk group of physicians was still the most impressive in the Dār al-Islām, it was not comparable to the group of its own predecessors; decadence had definitely set in. Should this be related to the exclusion, or to the absence, of the Jews? Previously, Samaritan doctors had flourished in Damascus (rather than Egypt, which was Jewish territory); did Abū Sa'īd establish himself in Cairo because his Jewish colleagues had been driven out?

Another leader of the medical world of Cairo was the Turk Ḥājji pāshā, who became chief physician of the Bīmāristān al-Mansūrī, but returned c. 1380 (or c. 1395) to his native country.

#### D4. *Yaman*

The single doctor of this time whom we must associate with Yaman illustrates the internationalism of Islām, for he was not a native Yamanī, but a Hindu, perhaps a Bengali. The obligation of the Pilgrimage drew Muslims from everywhere to the sacred cities; they came "on foot and on every fleet camel, arriving by every deep defile" (sūra 22, 28); some of them never returned home, but spent the rest of their life in the Hijāz or in southern Arabia. Apparently that is what happened to Muḥammad al-Mahdī, who settled down in Yaman. The capital, Ṣan'ā', was then one of the main cultural centers of Arabia. He wrote an elaborate medical treatise, the Kitāb al-raḥma fi-l-ṭibb wal-ḥikma.

#### D5. *Anatolia*

It is expedient to consider the physicians writing in Arabic separately from those using the Turkish language. The Arabic writers were only three, Muḥammad ibn Muḥammad al-Āqsarā'ī, Muḥammad ibn Maḥmūd, and Ḥājji pāshā. The first wrote a commentary on the Mūjiz al-qānūn of Ibn al-Nafīs; the second, a pharmacopoeia, Raudat al-'iṭr.

The case of Ḥājji pāshā is of special interest, as it marks the transition from Arabic to Turkish. Though born and educated in Qonya, he was sent to Cairo for further studies and spent the middle part of his life in that city. Later he returned to his country and completed his main medical work, the Shifā' al-asqām wa dawā' al-ālām, in Ephesus c. 1380. The Shifā' was written, like his other works, in Arabic, but Ḥājji pāshā came to realize the need of medical books in Turkish, and wrote an abridgment of the Shifā' in that language. It is typical that he found it necessary to apologize for writing in Turkish; indeed, that language was just beginning to be used for scientific purposes. The average Muslim doctor would have thought and said that Arabic was the only language dignified enough for medicine, even as his colleagues of Western Europe would have made the same claim for Latin.

Nevertheless, there was a small but growing number of men who wrote exclusively in Turkish. Thus, Ishāq ibn Murād of Gerede wrote two medical treatises in 1388/89. Another one is ascribed to the poet Ṣalāḥ al-dīn of Ankara, and a Turkish translation of a Persian book on sexual hygiene bears the same author's name (the laqab Ṣalāḥ al-dīn is not uncommon, hence we should not conclude that these

674-8

Studies in History of Medicine, c. 3 (s. 1) s. 69-74,  
1979, (New Delhi)

çörcani ismail bin Hüseyin  
ebû'l-ğazâlî Zeynüddin İsmail b. Hüseyin  
et-herizmî 530/1136 İLT

SHARF AL-DİN ISMÂ'İL JURJÂNÎ

KAUSAR CHANDPURI

Full name was Zain al-Din Abū Ibrahim Ismā'īl bin Husain bin Aḥmad bin Muḥammad al-Jurjānī. There are some authors who have mentioned his name as Ismā'īl bin al-Ḥasan and described him with the title of Saiyid Sharif al-Din al-Ṭaiyib al-Jurjānī. In chapter eleven of *Ṭabaqāt al-aṭibbā'* he has been described as al-Sharīf Sharf al-Din Ismā'īl and in the preface of his celebrated Persian book *Aghrād al-aṭibbiā'*<sup>1</sup> his name is given as Amir Saiyid Imām Zain al-Din Sharf al-Zamān Majd al-Siyādat Abū Ibrahim Ismā'īl bin al-Ḥasan bin al-Ḥusainī al-Jurjānī.

Ismā'īl was a native of Jurjan where he lived for most of his life. The author of *Mu'jam al-muṣannifin*, while copying from *Kitāb al-dhakhira*, has written that he was an employee of the Shāh of Khwārizm. Jurjānī has also in the preface of *Khwārizm Shāhi*, written about his coming to Khwārizm in 504 A.H. which is also known as Khiva. It was the period of the Khwārizm dynasty's first ruler Quṭb al-Din reigning there.

Quṭb al-Din paid him due respects and it was his favours and rewards which kept him for years in Khwārizm which had very good climate. His relations with the court of the Shāh of Khwārizm were very good. The author of *Mu'jam al-muṣannifin* says he has been mentioned very briefly in the *Tārīkh al-ḥukamā'* as of his being a noted physician of 'Ajam. Ibn Abi Uṣaibi'a has described him a personality of great learning and respects. Among the ruling class of people he had a distinguished position. He had special importance in the eyes of Sultan 'Alā' al-Din Muḥammad Quṭb al-Din of Khwārizm. The Sultan honoured him greatly and would give him generous rewards beside salaries. Ismā'īl has remarkable skill in treating cases and had already treated patients successfully. He was also very competent in surgical operations.

<sup>1</sup> This book is in two volumes. First is based on formulas and the second on treatment. I have translated both the volumes but not yet published.

251 AL-JURJĀNĪ, ISMĀʿĪL B. MUḤAMMAD (d. ca. 535/1140)

*Dhakhīra-i Khwārizmshāhī*

An encyclopedia of medical science, consisting of ten books:

1. Definition and utility of medicine; composition of the human body;
2. health and disease, causes and symptoms of disease;
3. preservation of health;
4. diagnosis of diseases;

21 MAYIS 1992

9. poisons and antidotes;

10. simple and compound medicaments.

MSS. Persian Medical MSS. in the British Library Add. 23, 556; Persian Medical MSS., University of California, Los Angeles (U.C.L.A.) MS. 1 (Kitāb 1-8); MS. 2 (Kitāb 1-4); MS. 3 (Kitāb 2-3); MS. 4 (Kitāb 6 on the treatment of diseases); MS. 5 (Kitāb 6, Guftār 2, on opthalmology); MS. Ar. 60 IV (Beginning of Kitāb 4 on the days of crisis (buhrān)).

252 AL-JURJĀNĪ, ISMĀʿĪL B. MUḤAMMAD

An excerpt from a work on medicine including 3 bāb on urine.

MS. Ar. 73 V. Persian Medical MSS. at the University of California at Los Angeles (U.C.L.A.).

Ref.: no. 8.

253 AL-JURJĀNĪ, ISMĀʿĪL B. MUḤAMMAD

*Al-Aghrād al-tibbiya wa 'l-mabāhith al-ʿAlāʿiya*

MS. 6 Persian Medical MSS. at the University of California at Los Angeles (U.C.L.A.).

Ref.: no. 13.

254 AL-JURJĀNĪ, ISMĀʿĪL B. MUḤAMMAD

*Khuffī-i ʿAlāʿi*

Containing Ismāʿil Jurjānī' Bootbook for ʿAlāʿ (al-dawla).

MSS. Persian Medical MSS. at the University of California at Los Angeles (U.C.L.A.) 8; 7 II; 9 II; 10.

Ref.: nos. 9-12.

255 AL-JURJĀNĪ, ISMĀʿĪL B. MUḤAMMAD

*Yādgār*

Contents similar to Khuffī-i ʿAlāʿi but more on therapy.

MS. 11 Persian Medical MSS. at the University of California at Los Angeles (U.C.L.A.).

Ref.: no. 14.

عُرْجَانِي  
ISMAIL B.  
HUSEYIN

عُرْجَانِي  
ISMAIL B.  
HUSEYIN

## REFERENCES

1. History of Mathematics by D. E. Smith. Dover Publications Inc. New York 1958.
2. The development of Mathematics by E.T. Bell. Mc. Graw Hill Book Company Inc. New York — London 1945.
3. Encyclopaedia of Islam, E.J. Brill Lieden in Netherlands 1978.
4. The Majesty that was Islam by W. Montgomery Watt, Sidwick and Jackson London. 1974.
5. Islamic Surveys by W. M. Montgomery Watt., Edinburgh University Press.
6. The Algebra of Abu Kamil, (Kitab-Fi-Aljabr-W-Al-Muqubala) edited by Marshall Clogett., The University of Winconsin Press Madison, Milwan kee and London 1966.
7. Introduction to the History of Science, Vol. 1, by George Sarton, the *Carnegie Institution of Washington by the Williams & Wilkins Company* Baltimore. 1953.

6

## Isma'il Jurjani And His Magnum Opus — The Dhakhirah-i-Khwarazmshahi

By Salahuddin Salihzadih\*

I

Zayn al-'Abidin<sup>1</sup> (or Sharaf al-Dīn) Abū al-Fath (or Abū al-Fada'il) Abū Ibrāhīm Sayyid Zayn al-Dīn Isma'il bin Hasan (or Husayn) bin Muhammad<sup>2</sup> bin Ahmad al-Jurjānī was born at Jurjān in 434/1037. He spent some time at Nīshāpūr, in Khurāsān, and learnt several contemporary sciences, in many of which, subsequently, he was acclaimed a great scholar. In *Hadīth* he was a disciple of Imām Abū al-Qāsim Qushayrī, a jurist of Nīshāpūr, and learnt *Tibb* from the famous physician and philosopher, Ibn Abū Sādiq Nīshāpūrī<sup>3</sup> commonly known as the second Hippocrates (*Buqrāt-i Thānī*). He also travelled to Qom and spent a few years of his youth at Merv as well. In 504/1109 he came to Khwārazm and was so infatuated with its pleasant climate that he chose to settle here permanently. The court of Khwārazmshāh Qutb al-Dīn Muhammad (490-521/1097-1127), who himself was possessed of a scholarly disposition, was already an abode of men of letters. The Sultān welcomed this prominent physician and scholar to his court with open arms, rewarded him profusely and entrusted to his charge the great local Baha' al-Dawlah Hospital, which responsibility carried a monthly remuneration of one thousand Dīnārs.<sup>4</sup> Jurjānī wrote his *Dhakhirah* at Khwārazm and dedicated it to the aforementioned monarch.

\*Mr S. Salihzadih is in Manuscripts Section, Tajikistan Academy of Sciences, Dushanbe, USSR. The article has been completely recast, edited and translated from Tajiki into English, on our request, by Dr. M. Saleem Akhtar, Principal Research Fellow, National Institute of Historical and Cultural Research, Islamabad, Pakistan (Editor-in-Chief).



بغداد ، كان وزيراً للخليفة المتوكل ثم للخليفة المستعين ، توفي عام ٢٥١ هـ ( ٨٦٥ م ) .

(٣) نجيب الدولة ، ابو القاسم علي ابن احمد الجرجرائي ، من اهل جرجرايا ارتحل الى مصر ابان حكم الدولة الفاطمية وتولى على ديوان النفقات في عهد الحاكم بأمر الله ، ثم تولى الوزارة في عهد الظاهر والمستنصر الفاطميين وكان يعرف بالوزير الاجل الأوحده صفى أمير المؤمنين ، توفي بالقاهرة عام ٤٣٦ هـ ( ١٠٤٥ م ) .

### X جرجى زيدان

مؤرخ مصرى ، لبنانى الاصل ، من طائفة الروم الأرثوذكس ، ولد بمدينة بيروت عام ١٨٦١ م ( ١٢٧٨ هـ ) والنحى بمدرسة الطب الأمريكية بها ثم انصرف عنها وارتحل الى مصر عام ١٨٨٣ واشتغل بالصحافة ثم التحق بالحملة النيلية الى السودان لانقاذ غردون وتنقل بين القاهرة وبيروت ولندن وتوفر على دراسة اللغات والأدب والتاريخ وفي عام ١٨٨٩ اشتغل بتدريس اللغة العربية بمدرسة الطب الأمريكية بها ثم ١٨٩٢ أنشأ مجلة الهلال الشهرية وأشرف على تحريرها ٢٢ سنة لحين وفاته ، وفى خلال ذلك نشر سلسلة مؤلفاته العديدة ، وعنى عناية خاصة بالتاريخ الحضارى الاسلامى ، وتشمل مؤلفاته : « تاريخ مصر الحديث » و « تاريخ التمدن الاسلامى » فم خمسة أجزاء و « تاريخ العرب قبل الاسلام » و « تراجم مشاهير الشرق فى القرن التاسع عشر » و « تاريخ آداب اللغة العربية » فى أربعة أجزاء ، « الفلسفة اللغوية والألفاظ العربية » و « أنساب العرب » كما ألف سلسلة من الروايات التاريخية التى تبسط

عصر المؤلف ، طبع فى مصر عام ١٢٨٣ هـ ( ١٨٦٦ م ) وله « مقاليد العلوم فى الحدود والرسوم » و « تقسيم العلوم » ومن شروحه « شرح المواقف » فى علم الكلام للايجى و « رسالة فى فن أصول الحديث » توفي الشريف الجرجرائي عام ٨١٦ هـ ( ١٤١٣ م ) .

(٣) الجرجائى الفقيه ، وهو ابو العباس ، احمد بن محمد من فقهاء الشافعية ، تولى قضاء البصرة ، له فى الفقه « التحرير » و « البلغة » و « الشافى » وفى الأدب « الأدباء و اشارات البلغاء » توفي عام ٤٨٢ هـ ( ١٠٨٩ م ) .

(٤) الجرجائى الطبيب ، وهو زين الدين ، اسماعيل بن حسين ، اشتغل بالطب فى خوارزم ، مباشرة وتصنيفاً باللغتين العربية والفارسية ، من مؤلفاته « الطب الملوكى » و « زبدة الطب » وبالفارسية « ذخيرة خوارزم شاهى » فى ١٢ مجلداً ، وله كتاب فى « العيون » ألفه لعلاء الدين تكش ووضع له ملخصاً . ترجمه الدفترى الى التركية ، يقال انه به قد أحيى الطب فى عصره ، توفي عام ٥٣١ هـ ( ١١٣٧ م ) .

### انجرجرائي

لقب جماعة من الوزراء والولاة ينتسبون الى ناحية جرجرايا على نهر دجلة بين بغداد وواسط منهم :

(١) رجاء بن ابى الضحاك الجرجرائي ، تولى على ديوان الخراج ابان خلافة المأمون ، توفي عام ٢٢٦ هـ ( ٨٤٠ م ) فى عهد الواثق .

(٢) ابو جعفر مجد بن الفضل الجرجرائي ، من وزراء الدولة العباسية

169

Das erste große, systematische Werk über Medizin in persischer Sprache ist Zain ad-Dīn abū Ibrāhīm Ismā‘īl ibn Muḥammad al-Ḥusainī al-Ġurgānī, der 531/1136 gestorben ist<sup>2</sup>, zu verdanken. Es trägt den Titel *Dahīra-i Ḥwārizmšāhī* („Der Schatz des Königs von Ḥwārizm“)<sup>3</sup> und ist dem abū l-Faḥ Muḥ. ibn Yamīn al-Mulḳ Quṭb ad-Dīn gewidmet. An Umfang dürfte es dem *Qānūn* des ibn Sīnā wenig nachstehen, von dem es im übrigen stark abhängig ist. Die *Dahīra* besteht aus 10 Büchern (kitāb): Buch 1 und 2 behandeln die Physiologie, Buch 3 die Hygiene, Buch 4 Diagnose und Prognose, Buch 5 Fieber, Pest Pocken usw., Buch 6 die Krankheiten a capite ad calcem, Buch 7 die Chirurgie, Buch 8 die Hautkrankheiten, Buch 9 die Gifte und Antidota (→ S. 337) und Buch 10 die zusammengesetzten Heilmittel.

Ein zweites Werk, das *K. Zubdat at-tibb* („Die Quintessenz der Medizin“)<sup>4</sup> handelt in zehn Diskursen über die Ursachen, Symptome und Therapie der Krankheiten.

<sup>2</sup> Šahraz. Rauḍa 64 b 2 ff.; GAL I 487; S I 889 f.

<sup>3</sup> S. Fonahn Quellenkunde nr. 15. Weitere Mss.: Royal Coll. Phys. nr. 49; Beaur. Mss. Afgh. nr. 80 (p. 102). Ed.: Ismā‘īl b. Ḥasan al-Ḥusainī al-Ġurgānī, *Dahīra-i Ḥwārizmšāhī*, edd. Iraġ Afšār und Muḥammad Taqī Dāniš-Pažūh (*Intišārāt-i Dānišgāh-i Tihrān* 1002), Tihrān 1965.

**Inhaltsangabe:** Paul Horn, Der Schatz des Khvārezmšāh, in: WZKM 4, 1890, 131-143; Browne Médecine p. 124-126; Abbas Naficy, Les fondements théoriques de la médecine persane, d'après l'Encyclopédie médicale de Gorgani, avec un aperçu sommaire sur l'histoire de la médecine en Perse, Diss. Paris 1933.

<sup>4</sup> Mss.: Chester Beatty 3977; Army Med. Lib. A 81 (p. 324); Šabbūḥ Fihris nr. 125; nr. 126.

MANFRED ULLMANN, DIE MEDIZIN IM ISLAM,  
LEIDEN 1970, s. 161

DOKÜMANTASYON MERKEZI  
3

BIBLIOTHÈQUE IRANIENNE

49

Fondée en 1949 par Henry Corbin,  
la Bibliothèque Iranienne  
est publiée

*par*

L'INSTITUT FRANÇAIS DE RECHERCHE EN IRAN  
Boîte Postale 15 815-3495 Téhéran, Iran

n° 872

PRESSES UNIVERSITAIRES D'IRAN  
Avenue Khaled Eslamboli, n° 85, Téhéran, Iran

*Couverture :*

Opération de la cataracte (dessin original, établi à partir de miniatures persanes)

DISCOURS SUR L'ŒIL  
D'ESMĀ'ĪL GORGĀNĪ

*Traduit et annoté*

*par*

B. THIERRY de CRUSSOL des EPESSE



PRESSES UNIVERSITAIRES  
D'IRAN

MADDE YA YERLANDIKTAN  
SONRA GELEN DOKÜMAN  
09 HAZİRAN 1999



INSTITUT FRANÇAIS  
DE RECHERCHE EN IRAN

Téhéran, 1998

## Cūr cāni Ismā'īl b. Ḥusayn

ويُزرع التبغ والقمح على نطاق واسع فيها، وسكانها مزيج من الذين يتكلمون

الفارسية في المناطق الجبلية والمدن،

في حين يقيم التركمان في السهول.

نجدة خماس

الموضوعات ذات الصلة:

رضا شاه بهلوي - الزياريون - الفاجاريون - يزيد بن المهلب

مراجع الاستزادة:

الطبري، تاريخ الرسل والملوك، تحقيق محمد أبو الفضل إبراهيم (دار المعارف، مصر 1964).  
ياقوت الحموي، معجم البلدان (دار صادر، بيروت 1977).

## ■ الجرجاني (إسماعيل بن الحسين -)

(... ٥٣٥ هـ / ... ١١٤١ م)

الإمام زين الدين أبو الفضائل إسماعيل بن الحسين الحسيني الجرجاني، وعرف بالخوارزمشاهي لارتباطه مدة بالملك العالم العادل خوارزم شاه ألتغر بن محمد.

طبيب وفيلسوف من أهل جرجان، أقام في خوارزم، وبها صنّف كتبه، وتداولها الناس في أيامه. وصفه الشهرزوري في كتابه «زهد الأرواح» فقال: «إنه كان لطيف المعاشرة، حسن الأخلاق، نصح في كتاباته بعدم الانقياد للشهوات الدنيوية، والابتعاد عن اللذات التي تورث الآلام». وهي نصيحة قيمة ورد ذكرها كاملة في كتاب «حكماء الإسلام، للبيهقي».

قال عنه البيهقي: «أحيا الطب وسائر العلوم بتصانيفه اللطيفة. رأته بسرخس في شهر سنة إحدى وثلاثين وخمسة، وقد بلغ من العمر أطوريه

(أي حذيه أوله وآخره)».

صنّف إسماعيل الجرجاني الكثير من المؤلفات بالعربية، وبعضها الآخر بالفارسية، قليل منها موجود وأكثرها مفقود. أهمها: «زيد الطب»، وهو مؤلف يوجد له عدة نسخ مخطوطة في المكتبات العالية، منها نسخة في المكتبة الظاهرية بدمشق. وهي مخرومة الأول، وتتألف من ثلاثة كتب:

الأول: في مقدمة المعرفة في الأصول الطبية، والاستدلالات على سلامة المريض.

الثاني: في تشريح البدن الإنساني في الأعضاء المتشابهة الأجزاء.

الثالث: في معالجات الأمراض والحميات، يوجد منها نسخة في مكتبة الاسكندرية، مرتبة في ست مقالات. وكتاب «الذخيرة الخوارزمشاهية، الفها إسماعيل الجرجاني باللغة الفارسية،

وهي موسوعة تتألف من اثني عشر جزءاً، يوجد منها نسختان مخطوطتان في مكتبة يني جامع باصطنبول إحداهما بالعربية، وكتاب «التذكرة الأشرفية في الصناعة الطبية، وهو كتاب مترجم عن الفارسية، الفها الجرجاني لعلاء الدين ألب أرسلان. وله مختصر باللغة العربية عنوانه «الأغراض العائلية»، قدّمه لوزير خوارزم شاه، علاء الدين تگش، مجد الدين البخاري.

ومن مؤلفات الجرجاني المفقودة: كتاب في «الرد على الفلاسفة»، كتاب «تدبير يوم وليلة»، الفها باسم القاضي أبي سعيد الشارهي، كتاب في «الأورام والبثور»، رسالة في أمراض العين، وربما تكون جزءاً من كتاب «الذخيرة الخوارزمشاهية».

زهير البابا

مراجع الاستزادة:

ظهير الدين البيهقي، تاريخ حكماء الإسلام (مطبوعات مجمع اللغة العربية، دمشق ١٩٨٨).  
سامي حمارة، فهرس مخطوطات الطب والصيدلة في المكتبة الظاهرية (مطبوعات المجمع، ١٩٦٩).

## ■ الجرجاني (عبد القاهر -)

(٤٠٠ - ٤٧١ هـ / ١٠٠٩ - ١٠٧٨ م)

أبو بكر عبد القاهر بن عبد الرحمن ابن محمد الجرجاني النحوي المتكلم، ولد في جرجان لأسرة رقيقة الحال، نشأ ولوعاً بالعلم، محباً للثقافة، فأقبل على الكتب يلتهمها، وخاصة كتب النحو والأدب، تأثر باستاذة أبي الحسين الفارسي النحوي ابن أخت أبي

علي الفارسي، وتلمذ على كتب سابقه ومعاصريه من النحاة والبلاغيين والنقاد والأدباء والمتكلمين، يأخذ عنهم، ويقف متريناً أمام أفكارهم وانظارهم. وكان عبد القاهر شافعي المذهب، متكلماً على طريقة الأشعري، ومع علمه الغزير وإنتاجه الضخم فإنه

ظل في بلدته، فقيراً معدماً، ينم على بؤسه ما له من أشعار تنبض بالسخط على حظ العلماء في زمانه.  
كان عصره عصر حروب وفتن ودسائس ومغامرات بين طلاب الملك والسلطان، مصوبغاً بالدماء. ومع ذلك كان العلم واحة السلام والأمن، التي

a triangle similar to that by Blaise Pascal (1623–1662) in 1665, now commonly known as the Pascal Triangle. This triangle of binomial coefficients was subsequently copied and expanded by Zhu Shijie in the thirteenth century. Thus, Jia Xian's mathematical knowledge to some extent laid the foundation for the rapid development of mathematics during the twelfth and thirteenth centuries.

ANG TIAN SE

REFERENCES

- Guo, Shuchun. "Jia Xian Huangdi Jiuzhang Suanjing Chu Tan." (An Initial Inquiry into Jia Xian's Huangdi Jiuzhang Suanjing Xicao). *Studies in the History of Natural Sciences* 7(4): 328–334, 1988.
- Guo, Shunchun. "Jia Xian." *Zhongguo Gudai Kexuejia Zhuanji* (Biographies of Ancient Chinese Scientists). Ed. Du Shiran. Beijing: Kexue Chubanshe, 1992, pp. 472–479.
- Mei, Rongzhao. "Jia Xiande Zengcheng Kaifang Fa." (Jia Xian's Zengcheng Method for the Extraction of Roots). *Studies in the History of Natural Sciences* 8(1): 1–8, 1989.
- Qian, Baozong. *Qian Baozong Kexueshi Lunwen Xuanji* (Collection of Qian Baozong's Essays on the History of Science). Beijing: Kexue Chubanshe, 1983.

See also: Liu Hui and the *Jiuzhang Suanshu* – Gou-gu Theorem

**AL-JURJĀNĪ** Abū'l-Fadā'il Ismā'īl ibn al-Ḥusayn al-Jurjānī, Zayn al-Dīn, sometimes called Sayyid Ismā'īl, was the most eminent Persian physician after Ibn Sīnā (Avicenna), and the author of the first great medical compilation written in Persian. Born at Jurjan, 50 miles east of modern Gurgan, east of the Caspian, he was a pupil of Ibn Abī Šādiq (d. 1066–77), who had himself been a pupil of Ibn Sīnā. In 1110 al-Jurjānī entered the service of the ruler of Khwarizm (modern Khiva), the Khwārizmshāh Quṭb al-Dīn Muhammad (d. 1127) and his son Atsiz; later he moved to Marw (Merv) and served the rival sultan Sanjar. Al-Jurjānī died at Marw in about 1136 (AH 531).

Al-Jurjānī's great work is entitled *Dhakhīra-i Khwārazmshāhī* (The Thesaurus of the King of Kharazm). Comparable in size and scope to Avicenna's *Canon*, the *Thesaurus* is a compendium of medical knowledge and clinical practice. It rapidly became a classic and established the medical and scientific vocabulary in Persian; its influence was

extensive and long-lasting. It was translated into Hebrew, Urdu, and Turkish, and remained in use until the nineteenth century. There are very many manuscripts, both complete and fragmentary, but no available modern edition (although Keshavarz records an Indian edition of 1865–6, and one produced in Tehran in 1965).

In addition to the *Thesaurus*, al-Jurjānī composed other works in Persian which appear to be, in the main, abridgements of it. Chief among these is the condensed version called *Mukhtaṣar-i Khuffī-i 'Alā'ī* (Abridgement for the Boots of Alā') in two long volumes for Shah Atsiz to carry in his tall riding boots. This work was printed in Agra (1852) and Cawnpore (1891), but neither edition is readily available. There are several manuscripts in Turkey, one in the British Library, and an Arabic translation in Paris and at the University of California.

The *al-Agrāḍ al-ṭibbīya* (Aims of Medicine), composed for the vizier of Atsiz, is partly another abridgement of the *Thesaurus* combined with an account of the symptoms and treatment of local diseases. The *Yadgar i-ṭibb* or (Remembrancer) is largely on pharmacology.

Al-Jurjānī's works have not been much studied, and the relationships between the various texts and translations have not been worked out. A work in Arabic, *Zubdat al-ṭibb* (Essence of Medicine) is frequently assigned to him; this is presumably a translation of one of the Persian treatises mentioned above, but it is not clear which one. Some of the other manuscript works ascribed to al-Jurjānī are probably excerpts from his lengthy books.

E. RUTH HARVEY

REFERENCES

- Browne, Edward G. *Arabian Medicine*. Cambridge: Cambridge University Press, 1921.
- Elgood, Cyril. *A Medical History of Persia and the Eastern Caliphate*. Cambridge: Cambridge University Press, 1951.
- Elgood, Cyril. *Safavid Medical Practice*. London: Luzac, 1970.
- Ibn Abī Uṣaybī'ah. 'Uyūn al-Anbā fī ṭabaqāt al-aṭibbā'. Beirut: Dār Maktabat al-Ḥayāh, 1965.
- Naficy, Abbas. *La Médecine en Perse, des origines à nos jours; ses fondements théoriques d'après l'encyclopédie médicale de Gorgani*. Paris: Éditions Vega, 1933.
- Schacht, J. "al-Djurdjani." *The Encyclopaedia of Islam*, new edition. Leiden: Brill, 1965, vol. II, p.603.

See also: Ibn Sīnā

و در اصابت رأی و حسن مهارت مقدم مهره این فن بود». از آثارش: *ذخیره خوارزمشاهی* که آن را در (۵۰۴ق) به فارسی به نام قطب الدین محمد خوارزمشاه نوشته و در پادشاهی اتسز آن را به نام وی و وزیرش مجدالدین صاحب بن محمد نجاری به عربی ترجمه کرده است. این کتاب که نخستین دایرةالمعارف پزشکی به زبان فارسی است با زبانی فصیح نوشته شده و کمتر کلمات عربی در آن آمده است؛ *خفی علائی، خف علائی، الخفیة العلائیة* که نیز به فارسی در پزشکی است و نخستین بار در ۱۸۹۱م در گانپور هند و یک بار دیگر در ۱۳۶۹ش در تهران به چاپ رسیده است؛ *الاعراض الطبیة والمباحث العلائیة* (تهران ۱۳۴۵ش) که تلیخیص *ذخیره خوارزمشاهی* است؛ *یادگار* به فارسی در پزشکی که دستنویسهای چندی از آن در کتابخانه‌های عمومی و شخصی و دانشکده‌های پزشکی نگهداری می‌شود و از دیرباز مانند دیگر آثار پزشکی جرجانی مورد توجه بوده است. به سید اسماعیل جرجانی کتابهای دیگری مانند *الطب الملوکی، زیة الطب، المنیة، فی التحلیل، فی القیاس، التذکرة الاشرافیة فی الصناعة الطبیة*، رساله‌ای در کلمات حکمت آموز و سیر و سلوک، رساله‌ای در بهداشت و رساله‌ای در اخلاق نسبت می‌دهند که نشانه‌ای از آنها نمانده است.

منابع: *اعیان الشیعة*، ۳۱۰/۳؛ *الاعراض الطبیة*، سید اسماعیل جرجانی؛ *تاریخ ادبیات در ایران*، ۳۱۶/۲؛ *تاریخ حکماء اسلام*، ۱۷۲؛ *تاریخ نظم و نثر در ایران*، ۱۲۴/۱؛ *خفی علائی*، سید اسماعیل جرجانی؛ *کشف الظنون*، ۵۲۸، ۵۲۲؛ *معجم المؤلفین*، ۲۶۴/۲. حسن انوشه

**جرجانی**، جمال الدین (سده دهم هجری) فرزند عبدالله، دانشمند، فقیه، متکلم، ادیب و محدث شیعی امامی. در استرآباد به دنیا آمد و مقدمات علوم را در این شهر فرا گرفت و سپس به هرات شد و نزد ملاحسن حسابی به تحصیل علوم دینی پرداخت و شرح *الکوامع* و کتابهای دیگری را در محضر درس او فرا گرفت. در دولت شاه اسماعیل صفوی به مقام صدارت رسید و چون وزیر پادشاه خواست که امیر غیاث‌الدین منصور شیرازی دشتکی را در صدارت با وی شریک سازد، بدین کار رضایت نداد و این در اثر مباحثاتی بود که همواره میان این دو درمی‌گرفت. این دو دانشمند با یکدیگر بسیار مجادله می‌کردند لیکن چون جمال‌الدین جرجانی مردی خوشخوی و شوخ طبع بود، مجادله را با شوخی و خنده به پایان می‌برد و نمی‌گذاشت که از این رهگذر کدورتی پیش آید. برخی او را همروزگار و برخی شاگرد محقق علی بن عبدالعال کرکی (م ۹۹۳ق) دانسته‌اند. گویند چون محقق کرکی روی به دربار پادشاه ایران آورد، جمال‌الدین جرجانی پایگاه صدارت می‌داشت و از این رو، دوستی استواری میان آن دو پدید آمد. یک چند برآمد و آن دو چنین قرار گذاشتند که محقق کرکی شرح

نشانندگان خلفای عباسی است. چگونگی آنکه محمد بن یحیی از فقیهان و محدثان برجسته اهل جماعت، حدیثی (درباره موضوعی از موضوعات که چندان برخورداردی به جایی هم نداشت) از قول عمر بن خطاب روایت کرده ولی ابویحیی جرجانی او را به خبط و خطا منسوب داشت و گفت: حدیث درست است لیکن سند آن نه به عمر بن خطاب بلکه به عمر بن شاکر می‌انجامد. در پی این کار و ظهور این انکار، محمد بن یحیی رازی و ابن بَعُوی و ابراهیم بن صالح شکایت به نزد محمد بن طاهر (شاید محمد بن طاهر بن عبدالله فرمانروای خراسان از سوی مستعین عباسی) بردند که ابو یحیی جرجانی به ساحت خلیفه دوم مسلمانان اهانت روا داشته است. محمد بن طاهر نیز فرمان داد که جرجانی را هزار تازیانه بزنند و دست و پایش را بپزند و او را بردار کنند. به هر حال جرجانی از خود دفاع کرده و گفت که جز حق نگفته و به خلیفه مسلمانان اهانتی روا نداشته است و بر این جمله، گواهی اقامه کرد که با گواهی آنان جرجانی از مرگ وارهد. او را تألیفات بسیار در فنون احتجاجات بر مخالفان است. از میان آثار فراوان او اینها درخور یادآوری است: *خلاف عمر* به روایت حشویان، *محنة (یا محبة) الثابتة* که در آن مذاهب و فضاویح حشویان را شرح می‌دهد؛ *المفاخرة البکرية والعمرية*؛ *الاخبار الکاذبة* که در آن نقص همه آنچه درباره فضایل گذشتگان نشان نقل کرده‌اند، اشاره می‌کند؛ *مناظرة الشیعی والمرجی* درباره مسح بر کفش به هنگام وضو؛ *العوغاء من اصناف الائمة* درباره مرجئیان و قدریان و خوارج؛ *المتعفة والزجة والمسح علی الحقیقین*؛ *التسوية* که در آن به خطای کسانی می‌پردازد که ازدواج عرب را با موالی حرام دانسته‌اند؛ *الضهاکی*؛ *فضائح الحشویة*؛ *التفویض*؛ *الاولئ*؛ *طلاق المجنون*؛ *استنباط الحشویة*؛ *الرد علی الحنبلی*؛ *الرد علی السنجری*؛ *نکاح الشکران*.

منابع: *الفهرست*، شیخ طوسی، ۲۷؛ *اختیار معرفة الرجال*، شیخ طوسی، ۵۳۲؛ *اعیان الشیعة*، ۵۸۶/۲. محمد حسین روحانی

Cūrāni, Isma'īl b. Ḥasan

**جرجانی**، سید اسماعیل (گرگان ۴۳۴- مرو ۵۳۱ق) فرزند حسن یا حسین ملقب به ابوالفضائل زین الدین یا شرف الدین، پزشک ایرانی. نیاکانش از سادات اصفهان بودند. پزشکی را نزد ابوالقاسم عبدالرحمان نیشابوری و حدیث را در خدمت ابوالقاسم قشیری فرا گرفت. یک چند در خراسان به سر برد و پس از آن در خوارزم به درگاه قطب‌الدین محمد بن انوشته‌گین خوارزمشاه (۴۹۱-۵۲۱ق) و پسرش اتسز (م ۵۵۲ق) درآمد. جرجانی گذشته از پزشکی که دانش اصلی او بود در حدیث نیز دست داشت. وی از استادان مسلم دانش پزشکی در جهان اسلام بود، چنانکه وی را «مقنن قانون و مجید رسوم طبیه» دانسته‌اند و گفته‌اند «در تمام اجزای طب از نظری و عملی و مایعلق بهما فایق

**AL-DJURDJĀNI, ISMĀ'IL B. AL-HUSAYN**

ZAYN AL-DĪN ABU 'L-FADĀ'IL AL-HUSAYNĪ, often called al-Sayyid Ismā'il, a noble and celebrated physician who wrote in Persian and in Arabic. He went to live in Kh<sup>w</sup>ārizm in 504/1110 and became attached to the Kh<sup>w</sup>ārizmshāh Rūṭb al-Dīn Muḥammad (490/1097-521/1127), to whom he dedicated his *Dhakhira*, and Atslz b. Muḥammad (521/1127-551/1156), who commissioned him to write a shorter compendium, *al-Khuffi al-'Alā'i*, so called because its two volumes were small enough to be taken by the prince on his journeys in his boots (*khuff*). He later moved to Marw, the capital of the rival sultan Sandjar b. Malikshāh, and died there in 531/1136. His *Dhakhira-i Kh<sup>w</sup>ārizmshāhi*, probably the first medical Encyclopaedia written in Persian and containing about 450,000 words, is one of the most important works of its kind; it also exists in an Arabic version, and was translated into Turkish and (in an abbreviated form) into Hebrew. Apart from the *Dhakhira* and the *Khuffi*, al-Djurdjāni wrote about a dozen other works, some of them substantial, mainly on medicine and philosophy. Most of his literary output, which was highly regarded already by his contemporaries, has been preserved in manuscripts. A short treatise on the vanity of this world, *al-Risāla al-munabbihā* (in Arabic), was incorporated by Bayhaqi in his biography.

*Bibliography:* Zahr al-Dīn 'Alī b. Zayd al-Bayhaqi, *Ta'riḫ ḥukamā' al-Islām*, Damascus 1946, 172 ff.; idem, *Tatimmat Siwān al-ḥikma*, ed. M. Shaif, Lahore 1935, i, 172 ff. (text); 216 ff. (bibliographical notes); M. Meyerhof, in *Osiris*, viii, 1948, 203 f. (digest of the preceding, with additional bibliography); Nizām-i 'Arūdi, *Čahār maqāla*, ed. Mirzā Muḥammad, 1910, 70 f. (text), 233, 236 ff. (notes); transl. E. G. Browne, 1921, 78 ff. (transl.), 158 f. (notes); Ibn Abī Uṣaybi'a, *Uyūn al-anbā'*, ii, 31; A. Fonahn, *Zur Quellenkunde der persischen Medizin*, 1910, 13 ff.; E. G. Browne, *Arabian medicine*, 98 ff.; Abbas Nafī-y, *La Médecine en Perse*, 1933, 41-48 (biography), 65-124 (summary of the first four "books", on the theoretical foundations of medicine, of the *Dhakhira*); G. Sarton, *Introduction to the history of science*, ii, 1931, 234 f.; C. Elgood, *A medical history of Persia*, 1951, 214 ff. and index; Brockelmann I, 641; S I, 889 f. (J. SCHACHT)

The Encyclopaedia of Islam, II, s. 603, 1965 (LEIDEN)

Jurjānī, Ismā'īl

*Corcoran*

- 2136- . Brockelmann, C., "al-Djurdjānī", *EI*<sup>1</sup>, 1: 1066.
- 2137- Brockelmann, C., *Gesch. der arabischen Lit.*, 1: 487; Supplementband, 1: 889-90.
- 2138- Sarton, G., *Introd. to the hist. of sci.*, 2: 234-5.
- 2139- Schacht, J., "al-Djurdjānī, Ismā'īl b. al-Husayn", *EI*<sup>2</sup>, 2: 603.

324

*Corcoran, Ebn al-Fozail Zaynoddin Ismail b. al-Husayn (v. 530/1136)*

*IA, II, 247.  
EI, II, 603.*

*(ILT)*



إسماعيل بن حسين

( ن )

الْجُرْجَانِي (٥٢١-٠٠ هـ - ١١٣٧-٠٠ م)

إسماعيل بن حسين الحسيني ، أبو إبراهيم ،  
زين الدين الجرجاني : طبيب باحث ، من  
أهل جرجان . أقام في خوارزم ، وبها صنف  
كتبه «الطب الملوكي» و «الرد على الفلاسفة»  
و «تدبير يوم وليلة» و «زبدة الطب - خ»  
في مجلد . وله بالفارسية « ذخيرة خوارزمشاهي »  
ومختصره «الأغراض» وتداول الناس كتبه  
في أيامه (١)

(١) تاريخ حكماء الإسلام ١٧٢ وكشف الظنون ٨٢٤  
و ٩٥٢ والفهرس التمهيدى ٥٢٢

Zirikli "el-Allam" c. I s. 308, 1954 (KAHIRE)

15. Zainaddin a. 'l-Faḍā'il Ism. b. al-Hu. *al-Ġur-ḡanī* al-Ḥwārizmšāhī, gest. 531/1136 (HH III, 331<sup>5794</sup>, n. a. 535).

1. *At-Taḍkira al-Aṣrafiya fi's-ṣinā'a aṭ-ṭibbiya*, Übersetzung aus dem pers. *Muḥtaṣari 'Alā'i* für 'Alā'addin Alp Arslān. — 2. *Daḥira'i Ḥwārizmšāhī* noch Yeni 951 ar., nach HH III, 330<sup>5794</sup>, pers. in 12 Bden. — 5. *ar-R. al-munabbika* Āsaf. II, 1718<sup>1122</sup>. — 6. *az-Zubda fi't-ṭibb* Paris 5851, Br. Mus. Or. 5923 (DL 46), Peš. 1620, Rāmpūr I, 482<sup>1106</sup>. — 7. *al-Aḡwiba aṭ-ṭibbiya wal-mabāhiṭ al-'Alā'iya* Āsaf. III, 402<sup>742</sup>.

GAL Supp. I, s. 889-890, 1937 (LEIDEN)

DOKÜMANTASYON MERKEZİ-6

ISMĀ'IL AL-JURJĀNĪ

Abū-l-Faḍā'il Ismā'il ibn al-Ḥusain al-Jurjānī, Zain al-dīn. Often called Sayyid Ismā'il. Persian physician who wrote in Arabic and Persian. He originated in the Jurjān, east of the Caspian, and lived at the court of Khwārizm; he died in 1135-1136. He compiled in Persian an immense medical treatise, Dhakhīra al-Khwārizmshāhī (The treasure of the king of Khwārizm). This work was probably completed soon after 1110, for Quṭb al-dīn Muḥammad, shāh from 1097 to 1127. It was probably the first medical encyclopaedia written in Persian instead of Arabic. It contains about 450,000 words, and is divided into nine books (75 discourses, 1107 chapters); a tenth book, Kitāb qarābādhīn—an antidotary—was added later. For the wazīr of Quṭb al-dīn's successor, Atsīz, shāh from 1127 to 1156, he wrote another treatise (partly based upon the Dhakhīra), the Aghrād al-ṭibb (The aims of medicine); this treatise was thus completed about 1127-1135.

I do not know whether his other works were written in Persian or in Arabic, or in both languages, or in which language they were written first. In 1113 he completed a condensed edition (two volumes) of his Dhakhīra, entitled Khafī 'Alā'i. He dedicated to 'Alā' al-dīn 'Alī Arslān another medical repertory entitled Tadhkira al-ashrafiya fi-l-ṣinā'a al-ṭibbiya. Among other writings, I may still quote a philosophical one entitled Al-munabbih (The admonisher), wherein he showed the vanity of worldly desires.

The Dhakhīra was translated into Hebrew in a somewhat abbreviated form by an anonymous author. This is very remarkable, because there are practically no other translations of medical writings from Persian into Hebrew.

*Text*—According to Browne, the Dhakhīra is still unpublished, though he thinks that a lithographed Urdū translation is used in India.

*Criticism*—F. Wüstenfeld: Arabische Aerzte (95, 1840). L. Leclerc: Médecine arabe (vol. 2, 18-19, 1876). M. Steinschneider: Hebraeische Übersetzungen (754, 1893). C. Brockelmann: Arabische Litteratur (vol. 1, 487, 1898). Karl Sudhoff: Beitrag zur Geschichte der Anatomie im Mittelalter (1908); apropos of the illustrations of a MS. of the Dhakhīra, Bodleian, 1576. Adolf Fonahn: Quellenkunde der persischen Medizin (7-13, 1910); analysis of the Dhakhīra and of the Aghrād. E. G. Browne: Arabian medicine (110-112, 1921); analysis of the Dhakhīra.

SARTON, GEORGE, "Introduction to the History  
of Science" c. II / I, s. 234-235, 1975 (NEW YORK)

DOKÜMANTASYON MERKEZİ -4

اسماعيل الجرجاني ( ٥٣١ - ٠٠٠ )

( ١١٣٧ - ٠٠٠ )

اسماعيل بن الحسن بن محمد بن احمد الحسيني  
العلوي ، الجرجاني ( ابو ابراهيم ، زين الدين )  
طبيب ، من أهل جرجان ، انتقل عنها الى  
مرو في آخر عمره ، وتوفي بها . من تصانيفه  
زبدة الطب ، التذكرة الاشرافية في الصناعة  
الطبية ، والاجوبة الطبية والمباحث العلائية .

( خ ) السمعاني : التعبير ١/٣

( ط ) البيهقي : تاريخ حكماء الإسلام

١٧٢ - ١٧٤ ، حاجي خليفة : كشف الظنون

٩٥٢ ، البغدادي : ايضاح المكنون ١ :

٦١١ ، كتبخانه اياصوفيه ٢١٣ ، المكتبة

البلدية : فهرس الطب ٢٠

Brockelmann : s, I : 889, 890

KEHHALE , " MÜCEMÜ'L - MÜELLİFİN , " c. II , s. 264 (BEYRUT)

علي رضا قره بلوط , معجم المخطوطات الموجودة في مكتبات  
استانبول و أناطولي, الجزء الأول, [y.y.t.y.] , ISAM 141806

رقم 326 ؛ طرخان والده سلطان رقم 260 ؛ حكيم  
أوغلي رقم 564 ورقة 166 ؛ خليل حامد باشا رقم  
2187 ورقة 320 / 892 هـ خوارزمي أوغلي رقم  
1145 ورقة 188 ، 599 هـ سليميه رقم 660 ورقة  
62 ؛ يوسف آغا رقم 6834 ورقة 359 ؛

3 - تنمة ذخيرة خوارزم شاهي - في الطب (ف)

آياصوفيا رقم 3/3567 ورقة 341-354 ؛

4 - خفي علائي = زبدة ذخيرة خوارزمشاهي - في  
الطب (ف)

شهيد علي رقم 1/2098 ورقة 35 ؛ آياصوفيا رقم  
3730 ورقة 68 ، 688 هـ رقم 3731 ورقة 187 ؛  
رقم 3732 ورقة 189 ؛ رقم 3695 ورقة 119 ، 915  
هـ رقم 3696 ورقة 157 ، 882 هـ رقم 3733  
ورقة 111 ، 741 هـ

5 - ذخيرة خوارزم شاهي - في الطب (ف)

آياصوفيا رقم 3616 ورقة 851 ، 887 هـ رقم  
3617 ورقة 561 ، 689 هـ رقم 3618 ورقة  
405 ، 693 هـ رقم 3619 ورقة 378 ؛ رقم  
3620 ورقة 429 ؛ رقم 3621 ورقة 668 ، 912  
هـ كوبرلي رقم 963 ورقة 648 ، 982 هـ أحمد  
ثالث رقم 2071 ورقة 594 ، 981 هـ رقم 1963  
ورقة 557 ، 879 هـ مراديه رقم 1771 ورقة 173  
، 753 هـ فاتح رقم 3551 ورقة 485 ، 676 هـ  
رقم 3552 ورقة 528 ؛ رقم 3553 ورقة 311 ؛  
رقم 3615 ورقة 112 ، 915 هـ سليميه رقم  
4721 ورقة 343 ؛ رقم 435 ورقة 325 ؛ رقم  
975 ورقة 198 ؛ حميديه رقم 1024 ؛ فيض الله  
أفندي رقم 286 ؛ ولي الدين أفندي رقم 2498  
صفحة 388 ؛ يكي جامع رقم 915 ، 916 ؛ بايزيد  
رقم 4038 ورقة 642 ، 1001 هـ طرخان والده  
رقم 260 ورقة 869 ، 894 هـ حميديه رقم 1024  
، 905 هـ نشر الجزء الأول في طهران 1344 ؛

6 - الرسالة المنبهة - في الفلسفة

كوبرلي رقم 5/1609 ورقة 31-34 ؛ رقم 50/1602  
ورقة 169 فقط ؛ أسعد أفندي رقم 1932 ورقة 73-74  
، 717 هـ أحمد ثالث رقم 5/3063 ورقة 48-50 ؛

7 - الزبدة - في الطب = زبدة الطب

برتو باشا رقم 20/6023 ورقة 251-270 ، 1090  
هـ بايزيد رقم 4106 ورقة 119 ؛ فاتح رقم 3571  
جزء 2 ورقة 156 ؛ رقم 3570 ورقة 292 ؛ أحمد ثالث  
رقم 2101 ورقة 301 ، 701 هـ جامعة استانبول رقم  
4757 ورقة 314 ، 804 هـ نورعثمانيه 3522 ورقة  
294 ، 873 هـ رقم 3523 ورقة 293 ، 874 هـ

MADDE YATIRILDIKTAN  
SONRA YERLEN DOKÜMAN

معجم المخطوطات الموجودة في مكتبات  
0921 - إسماعيل بن حسن (حسين) بن محمد بن

أحمد زين الدين أبو إبراهيم وشرف الدين أبو الفضائل  
الحسيني العلوي الجرجاني ثم الخوارزمي المروزي  
الطبيب الجراح المعروف بالجرجاني المتوفى بمرور سنة  
1137/531

( أنظر : كشف الظنون 824 ؛ ذيل كشف الظنون  
611/1 ؛ تاريخ الحكماء 172 ؛ معجم المؤلفين  
264/2 ؛ ابن أبي أصيبعة 472 ؛ الزركلي 1/312 )  
من تصانيفه :

1 - الأقرابدين - في الطب (ف)

أحمد ثالث رقم 2071 ورقة 512-594 ، 981 هـ

2 - الأغراض الطبية والمباحث العائلية = مختصر  
ذخيرة خوارزمشاهي - في الطب (ف)

بايزيد رقم 4098 ورقة 642 ، 1001 هـ آياصوفيا رقم  
3565 ورقة 266 ، 670 هـ رقم 3566 ورقة 277 ،  
543 هـ رقم 3731-3733 ؛ نورعثمانيه رقم  
3518-3519 جزء 1-2 ؛ رقم 3520 ؛ محمود باشا